

## نگاهی به تاریخ امر در دوره ولایت (۱۹۲۱-۱۹۵۷)

سیامک ذیحی مقدم

### مقدمه

با صعود حضرت عبدالبهاء در نوامبر ۱۹۲۱ عصر رسولی امر حضرت بهاءالله به انتها رسید و با آغاز عصر تکوین فصل جدیدی در تاریخ امر الهی گشوده شد. در آن زمان معدودی جوامع بهائی در پاره‌ای از نقاط عالم موجود بود، اما غالباً کوچک و پراکنده، و ارتباط میان آنها بسیار محدود بلکه مفقود بود. پیروان امر الهی اعم از یاران دیرین در مهد امرالله و یا مؤمنان جدید در مغرب زمین درکشان از برخی حقائق و مبادی امر الهی به طور نسبی محدود و نارسا بود. در جوامع بهائی نوپدید، هویت بهائی مبهم بود و استقلال آئین جدید به درستی برای همگان مفهوم نشده بود. در ایران به علت تضییقات، بسیاری از اهل ایمان هنوز به قید تقیه متمسک و از اظهار حقائق امر جدید معذور بودند. در عرض ۳۶ سال دوره ولایت تحولات چشمگیری روی داد که سیمای امرالله را به کلی دگرگون ساخت. در خاتمه این دوره، با انتشار وسیع امر در سطح جهان و ترجمه آثارش به بسیاری از زبان‌های رایج عالم، یک جامعه جهانی پدیدار شده بود که اعضایش از طریق درک عمیق تر حقائق و مقاصد آئین جدید، و نیز به واسطه مؤسسات جدید التأسيس نظم اداری، وحدت نظر و عمل یافته، بر طبق نقشه‌هائی منظم به فتح روحانی عالم و تاسیس مدنیت جهانی قائم بودند. در این دوره کوتاه بود که شالوده مؤسسات نظم اداری بهائی، نظمی که در عین حال ضامن وحدت این جامعه نوظهور بود، نهاده شد و استحکام یافت. و در همین دوره بود که مرکز جهانی امرالله به نحوی بی سابقه توسعه و تکامل پیدا کرد.

حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع اشاره می‌فرمایند که اقدامات اهل بهاء در طی ۲۳ سال اول عصر تکوین اهداف سه‌گانه ذیل را مد نظر داشته است: نخست تأسیس و استقرار نظم بدیع؛ دوم اعلان و اثبات استقلال امرالله؛ سوم توسعه نطاق امرالله و ازدیاد عدد پیروان آئین الهی.<sup>۱</sup> بیان مبارک به حقیقت در مورد تمام اقدامات انجام شده از سوی جامعه یاران در سراسر دوره ولایت مصداق دارد. این اقدامات به نحوی اساسی در تحولات جامعه بهائی و تعیین مسیری که در این عصر پیموده مؤثر بوده است. این مقاله نگاهی است گذرا به تاریخ امر در دوره ولایت از منظر فعالیت‌ها و اقدامات جامعه بهائی در جهت نیل به اهداف سه‌گانه فوق. اگرچه دوره ولایت با صعود حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۵۷ در نیمه راه نقشه ده ساله (۱۹۵۳-۱۹۶۳) به انتها رسید، اما از آن جا که اهداف این نقشه از پیش تعیین شده و از این رو پیروزی‌های به دست آمده در ظل این نقشه در حقیقت تحت هدایت و قیادت هیکل مبارک بود، بجا است اگر تحولات امرالله را تا خاتمه نقشه ده ساله دنبال نمائیم.

### جامعه بهائی در آغاز عصر تکوین

در طی نه سال دور بیان گسترش امر الهی به دو مملکت ایران و عراق منحصر بود. در سی و نه سال عهد ابهی سیزده مملکت دیگر وارد دایره امرالله گردید و در عهد میثاق، یعنی بیست و نه سال آخر عصر رسولی، بیست مملکت دیگر به روی امرالله گشوده شد. بدین ترتیب در آغاز عصر تکوین پیروان امر الهی در ۳۵ کشور و سرزمین مستقر بودند.<sup>۲</sup> از این ممالک بسیاری در سال‌های آخر عهد میثاق فتح شده بودند و شمار یاران در آنها محدود بود. در امریکای مرکزی و جنوبی تنها یک خانم از اجباء در شهر بهیته (باهیا) در برزیل ساکن بود (یک مرکز امری).<sup>۳</sup> در تمام قاره استرالیا شمار یاران به دو نفر منحصر بود (یک مرکز امری). در اقلیم وسیع هندوستان شمار مراکز امری از ۶ افزون نبود.<sup>۴</sup> در آلمان، موطن بزرگ‌ترین جامعه بهائی قاره اروپا، شمار مراکز امری فقط به حدود ۱۵ می‌رسید.<sup>۵</sup> در امریکا که مقدر بود در عصر تکوین در جمیع اقدامات پیروان امرالله در سراسر جهان نقشی ممتاز ایفاء نماید شمار مراکز امری از ۳۹ تجاوز نمی‌کرد.<sup>۶</sup> اما در ایران، زادگاه امرالله و موطن بزرگ‌ترین جامعه بهائی عالم در طول دوره مورد نظر اگرچه تعداد مراکز امری بسیار بود، اما یاران از آزادی محروم و به علاوه به خاطر شرایط اجتماعی آن زمان نیمی از ایشان یعنی بانوان اجباء از مشارکت در فعالیت‌های امری و حیات اجتماعی جامعه بهائی بی‌بهره بودند.

طبیعتاً ارتباط میان جوامع بهائی در کشورهای مختلف نیز بسیار محدود و همکاری مابین آنها تقریباً مفقود بود. مهاجران بهائی در بعضی از کشورها و از جمله ایشان، یاران امریکائی که در ایران به خدمت قائم بودند، واسطه ارتباط میان جوامع بهائی مختلف بودند. همچنین معدودی از نشریات امری چون نجم‌باختر که به زبان انگلیسی منتشر و شماره‌های آن اکثراً حاوی بخشی به فارسی نیز بود و

در میان احبای مشرق‌زمین هم توزیع می‌شد تا حدودی جوامع بهائی را به یکدیگر ارتباط داده، حس وحدت را در میان ایشان تولید می‌نمود.<sup>۷</sup>

در شماری از جوامع بهائی بعضی از مؤسسات نظم اداری، آن هم به صورتی بسیار ابتدائی، موجود بود. در ایران چند سال بعد از نزول کتاب اقدس عده‌ای از یاران به ابتکار خویش به تأسیس "محافل شوری" اقدام نموده بودند و در عهد میثاق بر تعداد و قوام نسبی آنها افزوده شده بود. در امریکا، ترکمنستان، قفقاز و برخی ممالک دیگر نیز معدودی محافل شور وجود داشت. ولی هیچ یک از این محافل بر اساسی متین و صحیح مبتنی نبود. اصولاً در این زمان در عالم بهائی نظامات و ضوابط اداری به طور شایسته معین و مشخص نشده بود و نحوه انجام امور به هیچ وجه یکسان و مشابه نبود.<sup>۸</sup> برای مثال نحوه انتخاب این محافل، موعد تجدید انتخاب، حوزه اختیارات و قدرت آنها، روابط بین محافل و سلسله مراتب مؤسسات امرالله در یک مملکت، سن بلوغ اجتماعی (ورود به ۲۲ سالگی)، افرادی که می‌توانستند به عضویت محافل انتخاب شوند و افرادی که حق ابداء رأی داشتند، و مسائلی نظیر اینها هنوز روشن نشده بود. برای تشکیل محافل و انتخاب آنها از جمله ضروری بود که اعضای جامعه بهائی و محدوده جغرافیائی جوامع محلّی تعیین شود و این مستلزم تسجیل و ثبت نام احباء بود. تسجیل یاران به نوبه خود مستلزم تعیین ضوابطی برای عضویت در جامعه بهائی بود.

از طرف دیگر یاران هنوز برخی از اصول اعتقادات و مبادی امرالله را کاملاً درک ننموده بودند. برای مثال مسأله استقلال امر الهی به عنوان شریعتی جدید همانند مسیحیت و اسلام برای بسیاری از مؤمنین جدید آشکار نشده بود. همچنین عموم احباء تصوّر روشنی از پدیده‌ای به نام نظم اداری بهائی نداشته و از اصول آن کاملاً مطلع نبودند. لزوم تشکیلات و نظم اداری و اطاعت از مؤسسات امرالله بیش از هر مسأله دیگر در آغاز این دوره سبب لغزش عده‌ای گردید. همچنین اصل وحدت عالم انسانی یعنی محور جمیع تعالیم این دور بدیع بدون شکّ در نظر اکثریت یاران همان اخوت و برادری و محبت میان بشر بود که از دیرباز پیامبران، اهل ادیان را به آن دعوت نموده بودند. حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء در الواح و آثار خویش اصول کلی نظام آینده جهان را ترسیم نموده بودند و برخی از این آثار به انگلیسی ترجمه شده و در دسترس یاران در غرب قرار گرفته بود. همچنین حضرت عبدالبهاء در خطابات خود به اهل اروپا و امریکا برخی از اصول اجتماعی امر الهی و مثلاً ضرورت صلح عمومی و تشکیل محکمه کبری را تشریح فرموده بودند. با وجود این هنوز درک یاران از مسائلی نظیر حکومت جهانی و متفرعات آن، در مقایسه با تبییناتی که بعداً از قلم حضرت ولی امرالله صادر شد، بسیار سطحی بود. بدیهی است در میان یاران شرق به خاطر عقب‌ماندگی عمومی مشرق‌زمین و مشکلات خاص احباء که اکثریت ایشان هنوز در مهد امرالله گرفتار تزییقات بودند، اندیشه یک نظم جهانی کم‌تر مورد تفکر و تعمق قرار می‌گرفت. اما در پهنه

مغرب‌زمین نیز که در دامان فرهنگ غالب و سلطه‌جوی خویش اولین اندیشمندان و متفکرانی را پرورده بود که از اتحاد عالم سخن رانده بودند، درک یاران از اندیشه وحدت عالم انسانی خام و ناپخته می‌نمود. یاران غرب اگرچه در مقایسه با برادران دینی‌شان در شرق در مورد مسائل مربوط به نظام عالم افق فکری وسیع‌تری داشتند اما ایشان نیز تحت تأثیر فرهنگ مسیحی که نجات فرد را هدف حیات قلمداد می‌کند محدودیت‌های فکری مخصوص خویش را دارا بودند. بیان زیر از توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ حضرت ولیّ امرالله (به انگلیسی) چون از این منظر مطالعه شود نمایانگر این نکته است. می‌فرماید:

«باید اشتباه نشود که اصل وحدت عالم انسانی که محور جمیع تعالیم حضرت بهاءالله است صرفاً منبعث از اظهار احساساتی ناسنجیده و بیان امیدی مبهم و نارسا نیست و نباید آن را منحصرأ ناشی از آرزوی احیاء روح اخوت بشری و خیرخواهی بین مردم انگاشت و هدفش را فقط در این دانست که بین افراد بشر و ملل و اقوام تعاون و تعاضدی حاصل گردد... پیامش فقط متوجه افراد نیست بلکه [در وهله اول] به روابط ضروری‌های ... مربوط می‌شود که ممالک و ملل را به هم پیوند می‌دهد و عضو یک خانواده بشری می‌نماید...»<sup>۹</sup>

در آغاز عصر تکوین تحت هدایت حضرت ولیّ امرالله، تأسیس مؤسسات نظم بدیع وجهه همت یاران قرار گرفت. به تدریج که مرحله تأسیس این مؤسسات در عالم به پیش می‌رفت، هیکل مبارک با صدور توقیعات و مکاتبات پی در پی خویش، همزمان دیدگاه یاران را وسعت داده و درک ایشان را از موقعیت کنونی عالم و تحولات آینده آن و نیز نقشی که اجباء در این مورد می‌بایست ایفاء نمایند عمیق‌تر می‌نمودند. پس از آن بود که یاران توانستند از طریق بینش عمیق‌تر خویش نسبت به تعالیم امر الهی و نیز به یاری تشکیلات و مؤسسات نوظهور، به نحوی مؤثر به ترویج و انتشار امر الهی در عالم قیام نمایند.

### تأسیس و استقرار مؤسسات نظم بدیع

پس از صعود حضرت عبدالبهاء، حضرت ولیّ امرالله علی رغم لطمه شدید وارده در اثر صعود هیکل مبارک و نیز بار گران مسؤولیت عظیمی که الواح وصایا بر دوش حضرتش نهاده بود به سرعت در جهت تنفیذ نوایای مبارک قیام نمودند. مضامین الواح وصایای حضرت عبدالبهاء تأسیس بیت العدل اعظم الهی، رکن ثانی نظم بدیع و تاج مؤسسات آن را متضمّن بود و نیز حضرت عبدالبهاء در الواح نقشه ملکوتی فرمان فتح روحانی عالم و انتشار امرالله به تمامی نقاط جهان را از پیش صادر فرموده بودند. اجرای این هر دو امر مستلزم تأسیس و استقرار مؤسسات نظم بدیع الهی در عالم بود. محافل محلی و ملی در حکم اساس نظم بدیع و قواعد و ارکان بیت العدل اعظم بوده و لزوماً

تشکیل بیت العدل اعظم تنها زمانی ممکن بود که این محافل از پیش در عالم به وجود آمده و قوام یافته باشند. حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹ (به زبان انگلیسی)، پس از بیان این نکته که با تأسیس محافل ملی در ایران و کشورهای مجاور تحت سلطه شوروی مطابق اصول و ضوابط معین شده در الواح حضرت عبدالبهاء شرط لازم برای تأسیس بیت العدل اعظم فراهم خواهد شد این مطلب مهم را اضافه می‌فرمایند:

«... تا زمانی که اعضاء آن محافل [محافل ملی شرق و غرب] قادر نباشند به عنوان نماینده کامل بهائیان کشور خود انجام وظیفه نمایند و نیز مادام که در خدمات خویش به هیکل امرالله تجربه و متانت و کمال لازم را نیافته باشند البته قادر نخواهند بود که به آن وظیفه مقدس [انتخاب بیت العدل اعظم] مباشرت ورزند و پایه‌ای روحانی را برای تشکیل چنان معهد اعلائی در جهان بهائی تدارک بینند.»<sup>۱۰</sup>

همچنین اجرای مؤثر و منظم فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء ایجاب می‌نمود که مؤسساتی در عالم موجود باشد که به طرح، اداره و اجرای نقشه‌های تبلیغی اقدام نماید. موفقیت‌های تبلیغی یاران امریکا در سال‌های آخر قرن اول بهائی نقش اساسی و مهم مؤسسات نظم اداری را در این امر به اثبات رساند. حضرت ولی امرالله در اشاره به پیروزی‌های یاران امریکا می‌فرماید: «... اگر بگوئیم این موفقیت‌های جسمیه که در سیبیل تبلیغ و اعلاء کلمه الله حاصل شده مرهون نظم جدید التأسیس الهی و اجراء نقشه عظیمه مولای خون محسوب... راه اغراق و مبالغه نه پیموده‌ایم.»<sup>۱۱</sup> بنا بر این ملاحظات، تأسیس محافل روحانی سرلوحه اقدامات حضرت ولی امرالله قرار گرفت.

هیکل مبارک در اوائل سال ۱۹۲۲ عده‌ای از یاران برجسته و فعال جامعه را از سراسر عالم برای مشورت در زمینه شرائط و لوازم تأسیس بیت العدل اعظم به ارض اقدس دعوت نمودند و همچنین در مکاتبات خود به یاران شرق و غرب در خصوص اهمیت تأسیس محافل روحانی تأکید فرمودند. در یکی از نخستین مکاتبات خود به یاران امریکا، مورخ ۵ مارس ۱۹۲۲، یعنی کمی بیش از سه ماه پس از صعود حضرت عبدالبهاء، هیکل مبارک به اهمیت تشکیل محافل روحانی و نیز اقدام در جهت انتخاب دو مرحله‌ای محفل ملی، هیأتی که می‌بایست نماینده جمیع اجزاء و محافل روحانی در امریکا باشد، اشاره می‌فرمایند و بیاناتی را از حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء در باره مقام، وظائف و اختیارات تامه محافل روحانی و نیز خصائل اعضای آن شاهد آورده، در اطاعت و انقیاد یاران نسبت به این محافل تأکید می‌فرمایند. ائتلاف و همکاری میان محافل محلی، و به خصوص مابین محافل محلی و محفل ملی را از لوازم وحدت امرالله و جامعه یاران و موفقیت اقدامات ایشان می‌شمارند و حتی در مورد اموری که در حوزه اختیارات محفل ملی قرار می‌گیرد و نیز تشکیل لجنات ملی دستورات لازم را صادر می‌فرمایند.<sup>۱۲</sup> همزمان هیکل مبارک به یاران امریکائی حاضر در

ارض اقدس تأکید فرمودند که هیأت تنفیذیه مشرق الاذکار باید هدایت امور امری را در آن کشور در دست خود گیرد و صرفاً وسیله اجرای منویات و تصمیمات مّخذّه نمایندگان مؤتمر ملی یاران آن سامان نباشد.<sup>۱۳</sup> حضرت ولیّ امرالله همچنین به یاران حاضر از آلمان و انگلیس در خصوص تشکیل محافل محلی و ملی تأکیدات لازمه را شفاهاً ابلاغ فرمودند.<sup>۱۴</sup> اهمّیت محافل روحانی موضوع اصلی یکی از نخستین توقیعات مبارک خطاب به محفل روحانی طهران نیز می‌باشد. حضرت ولیّ امرالله در توقیع مورّخ ۱۵ شباط (فوریه) ۱۹۲۲ اجتای ایران را به واسطه محفل روحانی طرف خطاب قرار داده و تأکید می‌فرماید که امور امری از فردی و جمعی به محافل روحانی، و امور مهمّ مربوط به کشور به "محفل مرکزی" (یعنی محفل روحانی طهران) مراجعه شود و نیز در خصوص اهمّیت مشورت بیاناتی را از جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء شاهد می‌آورند.<sup>۱۵</sup> مشابه این مضامین در توقیعات مبارک خطاب به یاران دیگر ممالک نیز آمده است.<sup>۱۶</sup>

از همان سال‌های اوّلیه دوره ولایت به تدریج محافل روحانی محلی که فی الحقیقه اسّ اساس نظم بدیع امر الهی هستند در سراسر عالم بر طبق اصول و معیارهای واحدی تأسیس شدند. به فاصله کوتاهی پس از آنکه یاران به تأسیس محافل محلی اقدام نمودند حضرت ولیّ امرالله جوامع بهائی را به تشکیل اوّلین محافل ملی مأمور فرمودند. هیکل مبارک در توقیع مورّخ ۱۲ مارس ۱۹۲۳ (به انگلیسی) خطاب به یاران امریکا، بریتانیا، آلمان، فرانسه، سویس، ایتالیا، ژاپن و قاره استرالیا (Australasia)،<sup>۱۷</sup> به اهمّیت حیاتی تشکیل فوری محافل ملی در کشورهایی که شرائط مناسب برای ایجاد این مؤسسات فراهم و نیز عدد پیروان امرالله به میزان کافی رشد کرده بود همچون امریکا، بریتانیا و آلمان اشاره نموده، نحوه انتخاب و نقش و وظائف این محافل را تشریح فرمودند.<sup>۱۸</sup> در همان سال اوّلین محافل ملی عالم بهائی، یعنی محافل روحانی جزائر بریتانیا، آلمان و هندوستان رسماً تأسیس شدند.<sup>۱۹</sup> پیش از این، هیکل مبارک در توقیع مورّخ ۲۷ شباط ۱۹۲۳ خطاب به یاران شرق، ضمن اشاره به اهمّیت محافل مرکزی و تشریح نحوه انتخاب این محافل، تأکید فرموده بودند که تأسیس آنها در شرق منوط به وجود اسباب و مراعات حکمت است و به خصوص در مورد ایران اضافه فرموده بودند که «اقدام به این امر عظیم مرتّباً مکملاً حسب القانون در این ایام حاضره صعب و مشکل و از وجنات احوال چنان معلوم می‌گردد که مخالف حکمت و منافی راحت و آسایش و امنّیت یاران است.»<sup>۲۰</sup> هیکل مبارک در همین توقیع بار دیگر اشاره می‌فرماید که تا زمان تشکیل محفل مرکزی ایران، محفل روحانی طهران باید به عنوان محفل مرکزی انجام وظیفه نماید.<sup>۲۱</sup>

در امریکا محفل روحانی ملی اوّل بار در سال ۱۹۲۵ مطابق موازین مشروحه در توقیعات مبارکه انتخاب شد. از میان کشورهای اسلامی محفل روحانی ملی مصر و سودان پیش از دیگران و در سال ۱۹۲۴ تشکیل شد. در ایران از جمله به علت تضحیقات و نیز عدّه زیاد یاران که تهیه و تنظیم احصائیه‌هایی کامل و دقیق را مشکل می‌نمود، تشکیل محفل ملی پیش از رضوان ۹۱ بدیع (۱۹۳۴)

میلادی) میسر نگردید. یکی از شرایط لازم برای تأسیس محفل ملی در ایران تشکیل مؤتمر ملی مرکب از نمایندگان جمیع یاران ایران (و نه فقط شماری از قسمت‌های امری) بود. در این رابطه تشکیل نخستین "انجمن شوروی روحانی ملی ایران" در سال ۱۹۲۷ که در آن نمایندگان ۹ ایالت و ولایت مهم کشور حضور یافتند قدمی مهم محسوب می‌شد.<sup>۲۲</sup> در سال بعد دومین انجمن شوروی روحانی که در حقیقت اولین مؤتمر نماینده کافه یاران بود تشکیل شد و بعد از آن این مجمع همه ساله در ایران برگزار شد. اگرچه به دستور حضرت ولی امرالله تا سال ۱۹۳۴ که "محفل روحانی ملی بهائیان ایران" تأسیس گردید محفل روحانی طهران کماکان به عنوان محفل مرکزی ایران انجام وظیفه نموده و انجمن شوروی روحانی به انتخاب محفل مرکزی مبادرت نمود،<sup>۲۳</sup> اما وکلای مجتمع در طهران در رفع موانع و مشکلات موجود در راه انتخاب محفل ملی مشورت نموده و با همکاری ایشان بود که محدوده و حوزه قسمت‌های امری کشور دقیقاً تعیین و به تدریج احصایه‌های این قسمت‌ها تهیه شد و نهایتاً محفل ملی یاران ایران انتخاب گردید.

تأسیس نظم بدیع در عالم با موانع و مشکلاتی همراه بود. در سال‌های اولیه دوره ولایت مسأله‌ای بنیادی و مهم به دفعات مطرح می‌شد و آن مسأله مشروعیت و ضرورت نظم اداری بهائی بود. این مسأله به نقض عهد عده‌ای منجر شد و هنوز پس از گذشت چندین سال از آغاز عصر تکوین موجب بروز شبهه و تردید در میان برخی از یاران می‌گردید. حضرت ولی امرالله در یکی از تویقات مبارک به یاران غرب (تویق مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰) به این نکته بدین نحو اشاره می‌فرماید:

«مکاتیبی که در این ایام اخیر به ارض اقدس رسیده غالباً از پیشرفت‌های پیروزمندانه امر الهی حکایت می‌کند. معدودی نیز حاوی شبهات و توهمات است در باره اصالت مؤسسات امرالله که از آئین حضرت بهاءالله جداشدنی نیست. این توهمات را نجواکنان، نفوسی که یا از اصول ظهور حضرت بهاءالله بی‌خبرند و یا مقصدشان کشت تخم نفاق در قلوب مؤمنان است به گوش دیگران می‌رسانند.»<sup>۲۴</sup>

عده‌ای اصل تمرکز قدرت در دست مؤسسات منتخب یاران را منافی آزادی فردی محسوب می‌نمودند و برخی نیز امرالله را صرفاً مجموعه‌ای از تعالیم روحانی و اجتماعی می‌پنداشتند و نظم اداری را در تضاد با روح امرالله تلقی می‌کردند.<sup>۲۵</sup> این گروه بودند که شبهاتی را در مورد اعتبار مؤسسات نظم اداری القاء می‌نمودند. اما مشکل اصلی در حقیقت این بود که در آغاز، یاران عموماً ماهیت و مقصد نظم اداری امرالله را به درستی درک نمی‌نمودند.

در کنار این مسأله بنیادی مسأله مهم دیگری نیز مطرح بود و آن تعلیم و تربیت یاران در آن دسته از اصول و قوانین نظم بدیع الهی بود که مغایرت با آداب و عقائد رایج داشت. اطاعت از محفل و پیروی از تصمیم اکثریت اعضاء برای افرادی که به سبب اطلاعات وسیع خود و یا نفوذ و قدرت در

میان یاران سابقاً از مرجعیت و ریاستی برخوردار بودند و از همین رو آراء و عقائد ایشان معتبرتر شمرده می‌شد سهل و آسان نبود. از سوی دیگر، نفوسی که در گذشته به تمکین و اطاعت از یاران صاحب‌نظر خو گرفته بودند اکنون می‌بایست به نحوی فعال و با حقوق متساوی در تشکیلات و اداره امور امرالله مشارکت نمایند. در امریکا مشکلی اساسی‌تر سال‌ها دام‌نگیر جامعه یاران بود. از جمله خصوصیات ویژه نظم اداری بهائی که آن را از سایر انظمه عالم ممتاز و متمایز می‌سازد این اصل است که نمایندگان منتخب یاران تنها در مقابل حقّ مسؤول می‌باشند، نه در برابر جمع احباء و منتخبین خود. تضادّ اساسی این اصل نظام بهائی با نظام دموکراسی که مردم را منشأ و منبع قدرت شمرده، زمامداران و مسؤولین امور را بالتّیابه از ایشان صاحب قدرت و مجری اراده ایشان قلمداد می‌کند و در مقابل ایشان مسؤول می‌شمارد واضح و روشن است. نحوه عمل هیأت تفضیله مشرق الاذکار در امریکا که بعدها جای خود را به محفل ملی این کشور داد نمایانگر اجرای این اصل نظام دموکراسی در جامعه بهائی بود. این مسأله در طی چند سال اول دوره ولایت منجر به کشاکش میان کانونشن ملی و محفل روحانی مرکزی امریکا شد و آخرین بار در سال ۱۹۳۴ موجب بروز بحرانی جدی گردید که تنها بعد از مداخله مستقیم هیکل مبارک رفع شد.<sup>۲۶</sup> در سال‌های نخست دوره ولایت، انتقاد علنی از اعضای محافل، تصادم میان افراد بانفوذ جامعه با این محافل، و تصادم بین محافل محلی و محفل ملی امری نادر نبود.

عدم آشنائی یاران با اصول و ضوابط نظم اداری ایجاب می‌نمود که حضرت ولی امرالله اقدامات ایشان را مستمرّاً هدایت نمایند. در این امر هیکل اطهر همواره مسائلی را که مربوط به اصول نظم اداری بهائی بود تبیین نموده، حلّ مسائل دیگر را به عهده خود محافل واگذار می‌کردند. در عین حال، استقرار مؤسسات امرالله بر مبنائی صحیح مستلزم گذشت زمان و اندوختن تجربه بود و ناگزیر اشتباهاتی روی می‌داد. برای مثال نمایندگان یاران در بریتانیا و ایرلند اعضای محفل مرکزی (ملی) را در فاصله سال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۶ همه ساله از میان خود، و نه عموم یاران مقیم بریتانیا و ایرلند، انتخاب می‌نمودند. این تقیصه در انتخاب سال ۱۹۲۷ رفع شد اما در مقابل، چون دو نفر آراء برابر دریافت نمودند، در سال مزبور ۱۰ نفر به عضویت محفل ملی انتخاب شدند. جالب توجه اینکه در میان این ۱۰ نفر یک کشیش مسیحی نیز دیده می‌شد.<sup>۲۷</sup>

تشکیل محافل جدید محلی و ملی تحت هدایت حضرت ولی امرالله در سال‌های بعدی دوره ولایت ادامه یافت. در سال ۱۹۴۴ شمار محافل محلی قریب به ۵۰۰ رسیده و ۷ محفل روحانی ملی در عالم موجود بود.<sup>۲۸</sup> چند سال بعد در اوائل سال مقدّس (صدمین سال بعثت سرّی جمال ابهی)<sup>۲۹</sup> و در آستانه نقشه ده ساله جهاد کبیر اکبر که در رضوان ۱۹۵۳ میلادی افتتاح شد تعداد محافل روحانی محلی به حدود ۶۱۰ بالغ شده بود<sup>۳۰</sup> و رقم محافل روحانی ملی و مرکزی در رضوان همان سال به ۱۲ افزایش یافت. از اهداف مهم نقشه ده ساله «ترتیب عده محافل مرکزی روحانی به بیش از چهار برابر»



از طریق تشکیل ۴۸ محفل روحانی مرکزی جدید بود. با احتساب آن عده از محافل روحانی ملی که از قبل تشکیل شده بودند شمار محافل ملی می‌بایست در خاتمه نقشه (رضوان ۱۹۶۳ میلادی) به ۵۷ می‌رسید. در زمان صعود حضرت ولی‌ امرالله در نوامبر ۱۹۵۷ تعداد محافل روحانی محلی از ۱۰۰۰ تجاوز نموده و رقم محافل ملی به ۲۶ بالغ شده بود. در پایان نقشه، رقم محافل محلی از ۳۴۰۰ گذشته و شمار محافل ملی به ۵۶ رسیده بود.<sup>۳۱</sup> (آمار مربوط به پیشرفت امرالله در چند سال مختلف در جدول شماره ۱ در صفحه ۱۷۷ آمده است).

در ظل محافل محلی و ملی تعداد بسیاری لجنات محلی و ملی به تدریج تأسیس شدند. بسیاری از این لجنات نخست در امریکا تشکیل شدند و سپس یاران در نقاط دیگر عالم با الهام گرفتن از توقیعات حضرت ولی‌ امرالله و نیز یاران امریکای شمالی لجناتی مشابه ایجاد نمودند. همچنین صندوق‌های خیریه نیز به تدریج تأسیس شدند.

از اقداماتی که در استحکام اساس نظم بدیع امر الهی بسیار مؤثر بوده ثبت و تسجیل محافل روحانی اعم از ملی و محلی است که جامعه بهائی امریکای شمالی در آن پیشاهنگ بود. محفل ملی امریکا و کانادا در سال ۱۹۲۷ قانون اساسی جامعه بهائیان امریکای شمالی را تهیه نمود که به زبان‌های دیگر ترجمه و با تغییراتی در جوامع بهائی دیگر کشورهای جهان مورد استفاده قرار گرفت.<sup>۳۲</sup> همچنین محفل محلی نیویورک برای نخستین بار نظامنامه محفل محلی را تدوین نمود و این سند نیز متعاقباً مورد استفاده دیگر جوامع محلی در امریکا و سایر نقاط عالم قرار گرفت. تهیه این اسناد شرط لازم جهت تسجیل این محافل به عنوان مؤسساتی مدنی و یا مذهبی به شمار می‌رفت، و در پی آن بسیاری از محافل محلی و ملی برای به ثبت رسیدن اقدام نمودند. نخستین محفل ملی که به تسجیل مقامات دولتی رسید محفل ملی ایالات متحده امریکا و کانادا بود (۱۹۲۹). تا سال ۱۹۴۴ میلادی که یک قرن از طلوع امر بدیع می‌گذشت ۶ محفل ملی به تسجیل مقامات دولتی در کشورهای متبوعه خود رسیده بودند که یکی از آنها، یعنی محفل ملی آلمان و اطریش، در سال ۱۹۳۷ منحل شده بود. رقم محافل ملی تسجیل شده در آستانه نقشه ده ساله به ۹ رسیده و در پایان نقشه به ۴۳ افزایش یافته بود.

تسجیل محافل ملی و محلی از این نظر حائز اهمیت بود که به دنبال آن محافل مزبور می‌توانستند اوقاف امری تأسیس نمایند. در امریکا در پی ثبت محافل محلی و محفل ملی، اوقاف امری به سرعت فزاینده‌ای تأسیس شد به طوری که در سال ۱۹۴۴ ارزش اوقاف ملی بهائی در این کشور به ۱,۷۵۰,۰۰۰ دلار بالغ می‌شد. در آستانه نقشه ده ساله ارزش اوقاف و املاک ملی بهائی در امریکا به حدود ۳,۰۷۰,۰۰۰ دلار و در پایان نقشه به بیش از ۵,۱۱۹,۰۰۰ دلار می‌رسید. در همین تاریخ ارزش موقوفات ملی بهائی در سراسر عالم به ۱,۰۵۰,۰۰۰ دلار تخمین زده می‌شد. به این مبلغ باید ارزش اوقاف محلی بهائی را که میزان آن در سراسر عالم به ۳,۰۰۰,۰۰۰ دلار تخمین زده می‌شد و نیز اوقاف

بین المللی بهائی را در ارض اقدس افزود. در این میان، اماکن متبرّکه و اوقاف ملّی بهائی در ایران به سبب ارزش تاریخی و نیز وسعت و تعدّد آنها از اهمّیت خاصی برخوردار است. در آغاز دوره ولایت اماکن متبرّکه امری در ایران منحصر به بیت مبارک حضرت اعلی در شیراز (کعبه اهل بهاء، بیت الله الحرام) و بیت مبارک حضرت بهاء الله در تا کر مازندران بود. اما در طی این دوره موقوفات امری در ایران به نحو چشمگیری توسعه یافت و از جمله اراضی امّ المعابد ارض طاکه وسعت آن از سه و نیم میلیون متر مربع افزون بود و نیز تعداد کثیری از اماکن متبرّکه و تاریخی را در بر می گرفت. از این میان باید از محلّ سیاه چال طهران نام برد که بعد از بیت مبارک شیراز مقدّس ترین مکان در مهد امرالله محسوب می شود.<sup>۳۳</sup> خرید زمین سیاه چال از اهداف نقشه ده ساله تعیین شده بود که در بهار ۱۹۵۴ توسط جناب حبیب ثابت خریداری شده و سند مالکیت آن به زودی به نام ایادی امرالله و امین حقوق الله جناب ولی الله و رقا انتقال یافت. همچنین در ترکیه نیز برخی از اماکن متبرّکه به تصرف امر درآمد. یادآوری می شود که در همین دوره بیت اعظم در بغداد از تصرف امر خارج شد.

حظائر قدس نیز که اول بار در تاریخ امر در ایران ایجاد شده بود به تدریج در دیگر نقاط عالم تأسیس شد. در سال ۱۹۴۴ تعداد حظائر قدس ملّی به ۶ و در آستانه نقشه ده ساله به ۸ رسید. از اهداف نقشه ده ساله ازدیاد عدد این حظائر به هفت برابر بود. این هدف تحقق یافت و در پایان نقشه شمار حظائر قدس ملّی در عالم بهائی به ۵۶ می رسید. در همین دوره حظیره القدس طهران به تصرف دشمنان امر درآمد (در قضیه فلسفی، ۱۹۵۵) ولی بعداً به جامعه بهائی مسترد شد.

در این دوره ساختمان مشرق الاذکار شیکاگو که سنگ زاویه آن را حضرت عبدالبهاء به دست مبارک خویش وضع فرموده بودند تکمیل و چند مشرق الاذکار جدید در عالم بهائی تأسیس شد. از جمله اهداف نقشه ده ساله تأسیس دو مشرق الاذکار در عالم بود: امّ المعابد ایران مشرف به شهر طهران، و امّ المعابد قاره اروپا در نزدیکی فرانکفورت. در مورد مشرق الاذکار طهران، پس از واقعه فلسفی در سال ۱۹۵۵ دیگر آشکار بود که بنای آن در طول نقشه ده ساله ممکن نخواهد شد. در مقابل، برای جبران محرومیت یاران ایران، حضرت ولی امرالله دستور به تأسیس دو امّ المعابد دیگر در عالم بهائی فرمودند؛ اولی در قاره آفریقا (کامپالا) و دیگری در قاره استرالیا (سیدنی). بنای دو مشرق الاذکار اخیر در موعد مقرر خاتمه یافت اما مشرق الاذکار فرانکفورت در خاتمه نقشه کاملاً تمام نشده بود. مشرق الاذکار عشق آباد، نخستین مشرق الاذکار عالم بهائی، در اوائل این دوره از سوی مقامات اتحاد جماهیر شوروی تصرف و از دست جامعه بهائی خارج شد.

اولین مدرسه تابستانه عالم بهائی در سال ۱۹۲۷ در گیزرویل (Geyserville) در کالیفرنیا تأسیس شد. این نوع مدارس به تدریج در دیگر ایالات امریکا و نیز دیگر کشورهای جهان به وجود آمد و نقش خود را در توسعه و استحکام اساس نظم اداری بهائی ایفاء نمود. به همین ترتیب، تحوّل مؤسسه ضیافت نوزده روزه، تماس و همکاری جامعه بهائی با انجمن های خیریه و سازمان های با اهداف

بشردوستانه، تماس با اولیای امور و نیز سازمان‌های بین‌المللی به ویژه برای مدافعه از حقوق مسلوبهٔ احبّاء در ایران همگی در استحکام اساس نظم اداری بهائی مؤثر بوده‌اند.

تأسیس هیأت بین‌المللی بهائی<sup>۳۴</sup> (۹ ژانویه ۱۹۵۱) که به فرمودهٔ مبارک مقرر بود «مقدمهٔ تأسیس محکمهٔ علیا در ارض میعاد و منتهی به انتخاب اعظم هیأت تشریحیهٔ عالم بهائی و دیوان عدل الهی» گردد<sup>۳۵</sup> و نیز انتصاب ایادی امرالله و بسط و توسعهٔ این مؤسسه گام‌های جدیدی در تحوّل و تکامل نظم اداری بهائی به شمار می‌روند. حضرت ولیّ امرالله ۲۷ نفر را در سه نوبت (۲۴ دسامبر ۱۹۵۱، ۲۹ فوریه ۱۹۵۲ و اکتبر ۱۹۵۷) و ۵ نفر را نیز جداگانه به سمت ایادی امرالله منصوب فرمودند.<sup>۳۶</sup> بعداً ۵ هیأت معاونت - یک هیأت برای هر یک از قارّات عالم - تعیین شدند (رضوان ۱۹۵۴). این هیأت‌ها می‌بایست در وهلهٔ اوّل در اجرای اهداف نقشهٔ ده ساله مساعدت نموده و بعداً وظیفهٔ صیانت امرالله را نیز عهده‌دار شوند. هیکل مبارک در آخرین توقیع خویش (مورّخ اکتبر ۱۹۵۷) ایادی امرالله را مأمور فرمودند که ۵ هیأت معاونت جدید مخصوص صیانت تعیین کنند. مقرر بود بعد از انتصاب ۵ هیأت جدید، هیأت‌های پیشین صرفاً به وظیفهٔ تبلیغ و انتشار امرالله بپردازند.

در سال‌های نخستین دورهٔ ولایت بود که جوامع بهائی قفقاز و ترکمنستان مورد هجوم اولیای امور در جماهیر شوروی واقع شدند و مؤسسات امرالله منحلّ و برگزیدگان و امنای یاران اکثراً تبعید و سایرین به ایران اخراج شدند. در سال ۱۹۳۷ دولت آلمان نازی تشکیلات امر را در این کشور ممنوع اعلام نموده، آثار امری را ضبط و عده‌ای از یاران را توقیف و مسجون نمود. در اثر این حملهٔ شدید جامعهٔ یاران در این سامان موقتاً از هم پاشید اما در سال‌های نخست بعد از جنگ جهانی دوم به سرعت تجدید حیات نمود. جامعهٔ پیروان امرالله در ایران در آغاز این دوره با روی کار آمدن دودمان پهلوی (۱۹۲۵) آزادی نسبی به دست آورد، اما این آسایش دوامی نیافت و به زودی در پی "حرکت رجعیه"<sup>۳۷</sup> دیگر بار یاران ایران مقهور دشمنان امرالله از طبقهٔ علماء گردیدند. در دسامبر ۱۹۳۴ مدارس تربیت طهران برای همیشه تعطیل شدند. پیش از آن مدرسهٔ توکل قزوین تعطیل شده بود (۹۰ بدیع) و بعداً نیز ۱۹ مدرسهٔ بهائی دیگر تعطیل شدند.<sup>۳۸</sup>

در مقابل دو جامعهٔ قدیم ترکستان و قفقاز که عملاً نابود شدند جوامع بهائی در دوستانهٔ نقطهٔ دیگر در عالم به وجود آمده، رو به رشد و تکامل نهادند. در خاتمهٔ دورهٔ ولایت، اساس و قالب مؤسسات نظم بدیع در جهان شکل گرفته و در رضوان ۱۹۶۳، در پایان نقشهٔ ده ساله، این مؤسسات به زیور تاج خویش یعنی بیت العدل اعظم الهی مزین گردیدند.

#### مؤسسات بین‌المللی امرالله در مرکز جهانی بهائی

به موازات تأسیس مؤسسات محلی و ملی در سراسر عالم، دورهٔ ولایت شاهد ظهور و یا ادامهٔ تکامل بسیاری از مؤسسات بین‌المللی بهائی بود. تحوّلات مرکز روحانی و اداری عالم بهائی در ارض اقدس

از زمان نزول لوح کرم‌ل و تعیین محل استقرار رمس اطهر حضرت اعلی آغاز شده بود. این تحولات پس از صعود حضرت عبدالبهاء سرعت یافت و تا سال ۱۹۵۷ اقدامات بسیار مهمی صورت گرفت. تأسیس مرکز روحانی جهانی اهل بهاء در ارض اقدس از پیش یعنی از زمانی که حضرت بهاء‌الله محل استقرار عرش حضرت اعلی را تعیین فرموده بودند آغاز شده بود.<sup>۳۹</sup> حضرت ولی امرالله در مرحله اول تشیید بنای مقام حضرت اعلی را مد نظر قرار دادند. در سال ۱۹۲۹ سه حجره باقی مانده از نه حجره مقام اعلی به همت حاجی محمود قصابچی ساخته شد و بدین ترتیب بنای اصلی ضریح مطهر ("قدس الاقداس") کامل گردید.<sup>۴۰</sup> سپس در بجنوبه جنگ جهانی تصمیم قطعی در مورد تکمیل این بنا گرفته شد و در ۲۳ مه ۱۹۴۴ به مناسبت صدمین سال اظهار امر حضرت اعلی به جامعه پیروان امرالله ابلاغ گردید. در همان روز نقشه قبه ذهبی آن مقام در مجمع عده‌ای از یاران در حیفا ارائه شد.<sup>۴۱</sup> متعاقباً در نوروز ۱۹۴۹ یعنی چهل سال پس از استقرار عرش حضرت اعلی در قلب کرم‌ل اولین سنگ رواق مقام اعلی گذارده شد و به تدریج طبقه اولای این بنا (رواق و تاج اول مقام اعلی) و سپس طبقه دوم و مناره‌های هشت‌گانه آن (تاج دوم مقام اعلی) و نهایتاً طبقه سوم آن مقام ساخته و تکمیل گردید.<sup>۴۲</sup> در نوروز ۱۹۵۱ تصمیم قطعی در خصوص تهیه مقدمات بنای قبه ذهبی مقام اعلی (تاج سوم این بنا) به عالم بهائی اعلان شد<sup>۴۳</sup> و بنای آن در پایان سنه مقدسه در اکتبر ۱۹۵۳ مقارن انعقاد چهارمین مؤتمر بین القارات (دهلی نو) اتمام یافت و با اتمام مقام اعلی مرکز روحانی جهانی اهل بهاء «باحسنا و اکملها پس از شصت سال انتظار تأسیس یافت.»<sup>۴۴</sup> ضمناً در دوره ولایت حدائق مقام اعلی احداث شد و طبقات مقام امتداد یافت.

اما در مورد مرکز اداری جهانی امرالله، اولین قدم در جهت تأسیس آن در خاتمه دهه ۱۹۳۰ برداشته شد. پس از صعود حضرت ورقه مبارکه علیا در سال ۱۹۳۲، مقام حضرتش در جوار مقام اعلی تأسیس شده بود. در ۲۵ دسامبر ۱۹۳۹ رمسین اطهرین میرزا مهدی غصن اطهر و آسیه خانم ام حضرت عبدالبهاء از جوار قبرستان اسلامی نبی صالح در خارج شهر عکاء به جوار مقام اعلی و در نزدیکی مقام حضرت ورقه مبارکه علیا انتقال یافت و بر شکوه روحانی جبل کرم‌ل افزوده شد و با استقرار این «مراقد شریفه ثلاثه»، «محور و مرکز دوائر و تأسیسات و معاهد اداری امریه» قوس کرم‌ل تعیین گشت.<sup>۴۵</sup> با این اقدام که به فرموده حضرت ولی امرالله «قدم اول در سبیل تأسیس مرکز بین المللی اداری جامعه پیروان امر اقدس اسنی» محسوب می‌شد<sup>۴۶</sup> «تباشیر وعود و بشارات لوح کرم‌ل آشکار و پدیدار گردید.»<sup>۴۷</sup>

تأسیس دارالآثار بین المللی بهائی، اولین بنا از ابنیه حول مراقد منوره منیره، در اهداف نقشه ده ساله منظور گردید. قبلاً در دهه ۱۹۲۰ محفظه آثار ارض اقدس تأسیس شده بود.<sup>۴۸</sup> سپس در سال‌های نخست دهه ۱۹۳۰، اول دو حجره مجاور رمس حضرت اعلی و بعد حجره سوم نیز به عنوان محفظه آثار ترتیب داده شد و متعاقباً محفظه آثار فرعی در جوار مقام حضرت ورقه مبارکه علیا

اضافه گردید.<sup>۴۹</sup> تعیین محلّ دارالآثار بین المللی مستلزم تهیه قطعه زمینی از تملکات خواهر فرید، فرح اسپراگ بود. نامبرده مبلغی گزاف برای آن مطالبه می نمود ولی سرانجام از وی سلب مالکیت شده (نوامبر ۱۹۵۴)، این قطعه به تصرف امر درآمد و به زودی محلّ قوس جبل کرمل تعیین و کار حفّاری محلّ دارالآثار بین المللی آغاز شد (مارس ۱۹۵۵). بنای دارالآثار در سال ۱۹۵۷ قبل از صعود حضرت ولیّ امرالله اتمام پذیرفت. با تأسیس دارالآثار بین المللی که به فرموده مبارک «مقدمه تأسیس مرکز عظیم الشان اداری جهانی بهائیان در آن جبل مقدّس» محسوب می شد «جریان سفینه الله» (یعنی «سفینه احکام») مذکور در لوح کرمل آغاز شده بود.<sup>۵۰</sup>

تعیین محلّ مشرق الاذکار ارض اقدس و خرید اراضی آن نیز از اهداف نقشه ده ساله تعیین شده بود. حضرت عبدالبهاء از پیش میسن ریمی را به عنوان مهندس این بنا تعیین فرموده بودند.<sup>۵۱</sup> نقشه و مدل این مشرق الاذکار مقارن آغاز نقشه ده ساله آماده شده و در دوّمین مؤتمر بین القارات (شیکاگو) در ایام رضوان سال ۱۹۵۳ به معرض نمایش گذارده شد. حضرت ولیّ امرالله محلّ مشرق الاذکار را خود در سال اوّل نقشه ده ساله «در بقعه ای که به قدوم جمال ابهی و صدور لوح کرمل مشرف و مفتخر گشته» تعیین نمودند.<sup>۵۲</sup> و اراضی آن متعاقباً پس از دو سال مذاکره خریداری شد.<sup>۵۳</sup> خرید اراضی حول اماکن متبرّکه بهائی برای محافظه شأن و مقام آنها و نیز تزئین و زیبایی این اماکن از آغاز دوره ولایت مورد نظر هیکل مبارک بود. مساحت اراضی تحت تصرف امرالله در کوه کرمل در آغاز این دوره احتمالاً از ۱۰,۰۰۰ متر مربع تجاوز نمی نمود. در سال ۱۹۵۷ در خاتمه حیات مبارک مساحت این اراضی به ۲۳۰,۰۰۰ متر مربع رسیده بود. اراضی حول روضه مبارکه و قصر بهجی نیز در آغاز این دوره از حدود ۱۰۰۰ متر مربع تجاوز نمی نمود در حالی که مساحت آنها در سال ۱۹۵۷ به ۲۵۷,۰۰۰ متر مربع می رسید.<sup>۵۴</sup>

توسعه اراضی کوه کرمل که کوه مقدّس یهودیان به شمار می رود با مشاغل فراوانی توأم بود. در دهه ۱۹۲۰ و سال های بعد، متعاقب ازدیاد بی سابقه شمار مهاجران یهود، اولیای امور و مهاجران جدید در خرید اراضی کوه کرمل و شهر حیفا و اطراف و نواحی آن نهایت کوشش را می نمودند.<sup>۵۵</sup> ضمناً قسمت وسیعی از این اراضی به صورت قطعاتی کوچک در تصرف ناقضین و دشمنان امرالله بود و تهیه آنها به سهولت ممکن نبود. اما اراضی حول روضه مبارکه و قصر بهجی نیز در تصرف خاندان مسلمان بیضون بود که از دشمنان دیرین و پرکین امرالله محسوب و با ناقضین نیز در ارتباط بودند و از این رو تهیه این اراضی ممکن نمی شد تا اینکه به دنبال جنگ استقلال کشور اسرائیل که حدود ۶۰۰,۰۰۰ نفر از اعراب فلسطین وطن خود را ترک گفتند، خاندان بیضون نیز املاک خود را رها کرده و در پی آن این املاک به تصرف دولت اسرائیل درآمد. در این زمان قطعه زمینی به مساحت قریب ۱۳۰,۰۰۰ متر مربع در نزدیکی دریاچه جلیل در تصرف خانواده ای از احباب از اعقاب میرزا محمد قلی برادر باوفای جمال مبارک بود و دولت اسرائیل به جهت موقعیت سوق

الجیشی این اراضی که در مجاورت مرز مشترک سوریه و اردن قرار داشت به جدّ مایل به تهیه این اراضی بود. حضرت ولیّ امرالله در ابتدا با فروش این اراضی موافقت فرمودند اما پس از آنکه امکان تعویض این اراضی با اراضی بیضون در حول روضه مبارکه مطرح شد هیکل مبارک این پیشنهاد را تصویب فرمودند و مذاکرات طولانی با مقامات دولتی در این خصوص آغاز شد. سرانجام صبح روز ۱۲ نوامبر ۱۹۵۲ اسناد این معامله به امضای طرفین رسید.<sup>۵۶</sup> مساحت اراضی حول قصر بهجی که پیش از این تاریخ به ۴,۰۰۰ متر مربع محدود بود اکنون به ۱۵۹,۰۰۰ متر مربع افزایش یافته بود. در بعد از ظهر همان روز (۱۲ نوامبر) حضرت ولیّ امرالله عازم بهجی شدند تا نقشه لازم را برای تزئین اراضی حول روضه مبارکه تهیه فرمایند. هیکل مبارک در عرض ۴-۵ روز طرح لازم را تهیه و فوراً به تأسیس حرم اقدس در جوار روضه مبارکه اقدام نمودند. ظرف دو ماه و نیم مساحتی به وسعت ۱۳,۰۰۰ متر مربع تسطیح و تزئین شده بود.<sup>۵۷</sup> تأسیس حرم اقدس به فرموده مبارک «مقدمه تشیید ضریح اقدس اطهر امنع ارفع ابهی در سنین آتیه است»<sup>۵۸</sup> وسعت این اراضی که در عرض یک روز به تصرف امر درآمده بود برابر با وسعت اراضی ای بود که در مدت شصت سال در کوه کرمل به تصرف امرالله درآمده بود. مدتی پس از این واقعه، فتح و ظفری جدید نصیب جامعه امر شد بدین ترتیب که در مارس ۱۹۵۳ زمینی در کوه کرمل به مساحت بیش از ۲۳,۰۰۰ متر مربع که هیکل مبارک مدت سی سال متمادی اراده خرید آن را داشتند به تصرف امر درآمد.<sup>۵۹</sup>

در همین دوره قصر مزرعه که از اوقاف اسلامی محسوب و خالی مانده بود پس از مراجعه مستقیم به نخست وزیر دولت اسرائیل دیوید بن گوریون به اجاره به جامعه بهائی واگذار شد (دسامبر ۱۹۵۰).<sup>۶۰</sup> حجره مسکونه حضرت بهاءالله در قشله نظام نیز تخلیه و از اماکن مقدسه بهائیان محسوب شد (اوائل ۱۹۵۱).<sup>۶۱</sup> جای خانه و مسافرخانه بهجی نیز در سالهای آخر حیات حضرت ولیّ امرالله به تصرف امر درآمدند.<sup>۶۲</sup> اما دو بیت عودی خمّار و عبود و نیز باغ رضوان و دو باغ مجاور آن در عکاء و بیت مبارک حضرت عبدالبهاء در حیفا پیش از آغاز دوره ولایت در تصرف امر بوده و همچنان باقی ماندند.<sup>۶۳</sup>

از دیگر انتصارات مهم دوره ولایت طرد و نفی ناقضین از قصر بهجی و اراضی روضه مبارکه بود. مدت کوتاهی پس از صعود حضرت عبدالبهاء میرزا بدیعالله و یارانش به تدبیر و تحریک میرزا محمد علی ناقض اکبر که مدعی اولویت در تولیت روضه مبارکه بود کلید آن مقام را از آقا ابوالقاسم خراسانی پاسبان و باغبان روضه مبارکه غصب نمودند (۳۰ ژانویه ۱۹۲۲). مقصد ناقضین که سالها در جهت تحقق آن کوشیدند این بود که تولیت روضه مبارکه را به دست آورده و یا در این امر با حضرت ولیّ امرالله شریک گردند. پس از غصب کلید به عنف، به علت هیجان حاصله در جمع احباب در ارض اقدس، به دستور حاکم عکاء کلید روضه مبارکه به مقامات دولتی تسلیم شد و ضریح مطهر بر روی احباب و ناقضین هر دو مسدود ماند. حضرت ولیّ امرالله به مقامات رسمی متوسّل

شدند و پس از تحقیقات کامل، حاکم فلسطین (مندوب سامی High Commissioner) در ۸ فوریه ۱۹۲۳ دستور صادر نمود که کلید آن مقام را به همان پاسبان تسلیم نمایند. این قضیه باعث شد که نیت سوء و افتراءات ناقضین بر اولیای امور روشن شود. اما قصر بهجی از زمان صعود حضرت بهاءالله در تصرف ناقض اکبر و همراهانش درآمده و مسکن خصوصی ایشان شده بود. در اثر غفلت ناقضین، قصر رو به خرابی نهاده و احتمال می‌رفت که سقف آن فرو ریزد. ناقض اکبر به حضرت ولی امرالله متوسل شده بود تا تعمیر قصر را عهده‌دار شوند ولی هیکل مبارک اقدام به این کار را مشروط به تخلیه قصر فرموده بودند. سرانجام در نوامبر ۱۹۲۹ یعنی قریب ۴۰ سال پس از صعود حضرت بهاءالله، ناقض اکبر به تخلیه قصر بهجی ناگزیر شده و تعمیر آن آغاز گشت. دو سال بعد که تعمیر قصر بهجی خاتمه یافت حضرت ولی امرالله موفق شدند نظر مساعد مندوب سامی فلسطین را جلب نمایند که قصر بهجی به عنوان زیارتگاه اداره شود و دیگر بار به صورت مسکن خصوصی درنیاید (اوائل ۱۹۳۲).<sup>۶۴</sup>

در سال ۱۹۵۲ دولت اسرائیل روضه مبارکه و قصر بهجی را که قبلاً از سوی مقامات انگلیسی به عنوان زیارتگاه شناخته شده بودند به این عنوان به رسمیت شناخت. اما هنوز بیت مجاور قصر در تصرف ناقضین و از جمله سال‌ها مسکن میرزا مجدالدین محرک ناقض اکبر بود.<sup>۶۵</sup> در ۱۱ مه ۱۹۵۶ وکلای نماینده هیأت بین‌المللی بهائی به مقامات دولتی مراجعه و تقاضا نمودند که املاک ناقضین در حرم اقدس و نزدیکی روضه مبارکه و قصر بهجی از تصرف ایشان خارج شده و به مالکیت امر درآید. مطابق قانون، دولت مجاز بود اراضی‌ای را که استفاده عمومی داشت تملک نموده و آن را به مقامات مسؤول واگذار نماید تا به نحو مطلوب از آن بهره‌برداری شود. در پی این اقدام، مقامات دولتی به سلب مالکیت از ناقضین دستور دادند (۲۰ دسامبر ۱۹۵۶) ولی ناقضین از رأی صادره استیناف خواسته قضیه را به دادگاه عالی بردند. دادگاه عالی در ۳۱ مه ۱۹۵۷ حکم قبلی را تثبیت نمود. اگرچه ناقضین مجدداً کوشیدند تا اجرای حکم صادره را به تعویق اندازند اما در نهایت در عرض کم‌تر از سه ماه از حول روضه مبارکه رانده شدند و حرم اقدس پس از گذشت بیش از شصت و پنج سال برای همیشه از وجود ایشان پاک شد (اوت ۱۹۵۷). مالکیت بیت ناقضین و قطعه زمین‌های کوچکی که در تصرف ایشان بود متعاقباً به نام شعبه اسرائیل محفل ملی امریکا انتقال یافت و بیتی که سال‌ها مسکن میرزا مجدالدین بود در دسامبر همان سال یعنی مدت کوتاهی پس از صعود حضرت ولی امرالله با خاک یکسان شد.<sup>۶۶</sup> در بدایت این اقدام، هیکل اطهر به ایادی امرالله آقای لروی آویاس که در سمت منشی یا دبیر کل (Secretary General) هیأت بین‌المللی بهائی در مراجعات به دادگاه و تماس با مقامات دولتی می‌بایست نقشی فعال ایفاء نماید فرموده بودند که آنچه ایشان تا آن هنگام برای امر انجام داده بود - که شامل خدمات نامبرده در تشیید و تکمیل مقام اعلی نیز می‌شد - همانند نقره بود و این خدمت اخیر همانند طلا.<sup>۶۷</sup> لازم به تذکر است که سند مالکیت روضه مبارکه و قصر

بهجی و بیت مجاور آن تا این زمان به نام ناقضین بود و نخست پس از صعود حضرت ولی امرالله، به فاصله قریب یک ماه، اسناد مالکیت آنها به نام جامعه بهائی انتقال یافت (۲ دسامبر ۱۹۵۷، ساعت ۱۰ و ۲۵ دقیقه بامداد).<sup>۶۸</sup>

معافیت موقوفات امری در ارض اقدس از مالیات ملی و محلی از دیگر پیروزی‌های مهم دوره ولایت است. بنای مقام حضرت ورقه علیا مقدمه این امر گردید. متعاقب ورود محموله حاوی سنگ‌های بنای مزبور به بندر حیفا در نوامبر ۱۹۳۲، حضرت ولی امرالله در صدد کسب معافیت آنها از عوارض گمرکی برآمده و پس از موفقیت در این مورد، برای معافیت اراضی و املاک امری اقدام نمودند.<sup>۶۹</sup> در مه ۱۹۳۴ به دستور مندوب سامی دولت انگلیس اراضی جامعه بهائی در کوه کرمل از مالیات معاف شدند.<sup>۷۰</sup> به تدریج اماکن متبرکه جامعه بهائی در عکاء نیز از مالیات و عوارض ملی و محلی معاف شدند و تا سال ۱۹۴۴ قصر بهجی نیز مشمول این معافیت شده بود.<sup>۷۱</sup> پس از تأسیس دولت اسرائیل، علی‌رغم افزایش بی‌سابقه اوقاف امری، معافیت تمامی آنها از مالیات ملی و محلی مورد قبول مقامات دولتی قرار گرفت.<sup>۷۲</sup>

در همین دوره شعبه‌های اسرائیل محفل ملی امریکا و چند محفل ملی دیگر تأسیس شدند و بدین وسیله موقعیت اوقاف امری در ارض اقدس تحکیم گردید و بر شأن و منزلت امر در انظار اولیای امور در این کشور افزوده شد.

### اعلان استقلال امر الهی

حضرت ولی امرالله در آثار خویش تحوّل آئین الهی را طی هفت مرحله تعیین و خصیصه هر مرحله را تعریف فرموده‌اند. این مراحل هفتگانه عبارتند از: مجهولیت، مقهوریت، انفصال، استقلال، رسمیت، حکومت بهائی، سلطنت جهانی بهائی. وجه امتیاز مرحله استقلال این است که استقلال آئین حضرت بهاءالله در انظار زمامداران عالم به اثبات رسد و اهل بهاء از حقوق و مزایای مساوی با حقوق پیروان ادیان معتبر عالم چون مسیحیت و اسلام برخوردار شوند.<sup>۷۳</sup> جوامع بهائی در کشورهای مختلف اکنون در یکی از مراحل نخست این سیر و تحوّل بسر می‌برند. هیچ یک از این جوامع به مرحله رسمیت نرسیده است. اگرچه سیر جوامع مختلف بهائی از این مراحل همزمان نبوده، اما طبیعتاً آنچه در یک نقطه از عالم روی می‌دهد در تحولات امرالله در دیگر نقاط مؤثر است.

حضرت ولی امرالله از آغاز عصر تکوین این هدف را مد نظر خویش قرار دادند که جوامع بهائی به طور کلی به سوی مرحله استقلال سوق یابند. کراراً به این نکته اشاره شده که چگونه بر خلاف حضرت عبدالبهاء که تا آخرین لحظات حیات مبارک در مسجد حاضر شده نماز می‌گزاردند، حضرت ولی امرالله از همان آغاز به روش دیگری سلوک نموده و از جمله از حضور در مسجد خودداری فرمودند. به عبارت دیگر رشته‌ای که به اقتضای حکمت، امر الهی را تا این زمان به



شریعت اسلام پیوند داده و سبب حفظ جامعه نوظهور بود اکنون سد راه پیشرفت امرالله شده و به ضرورت می‌بایست گسسته شود. مسأله به رسمیت شناختن استقلال امرالله از این نظر حائز اهمیت است که بر شأن و نفوذ امرالله در انظار رؤساء و قاطبه اهل عالم می‌افزاید. در عین حال برای رسیدن به مرحله استقلال، کسب انفصال کامل امرالله از ادیان گذشته ضروری است. تا زمانی که آئین الهی فرقه و یا تلفیقی از ادیان گذشته محسوب شده و در انظار زمامداران و اندیشمندان فاقد هویت مشخص و متمایزی باشد، جامعه بهائی در برزخ قرار گرفته، از نیل به حقوق حقه خود باز می‌ماند. بدیهی است که معاندین امرالله هر یک به انگیزه‌ای سعی داشته و دارند که امرالله را بدعتی در اسلام جلوه دهند؛ اهل اسلام در درجه اول برای توجیه ادامه تزییقات و سلب آزادی از یاران، و مسیحیان به منظور کسر شأن دیانت جدید در انظار غربیان، به ویژه دولتمردان. از این رو مسأله انفصال امرالله، اگرچه در وهله اول نتایجش متوجه یاران مقیم کشورهای اسلامی است، اما در عین حال انعکاسی وسیع در عالم غرب دارد، و به همین دلیل از اهمیت بسیاری برخوردار است.

با آغاز دوره ولایت، تأکید بر هویت خاص بهائی اهمیت یافت. عدم جواز تقیه و مراجعه به محضرهای اسلامی برای عقد ازدواج، و قطع ارتباط با مسجد و کلیسا و معاهد ادیان گذشته به طور کلی، احتراز از پیروی مناسک و رسوم ادیان گذشته، اجرای احکام کتاب اقدس به اقتضای موقعیت و امکانات، و مسائلی نظیر آن تدریجاً و کراراً گوشزد اهل بهاء در شرق و غرب عالم شد. آنچه محرک و مؤید قیام و اقدام یاران به اعلان استقلال امرالله شده و نتایج عظیم در پی داشت حادثه‌ای به ظاهر کوچک بود که در همان آغاز دوره ولایت در یکی از قراء مصر روی داد. در قریه کوم الصعایدیه در بخش ببا در استان بنی سوئف، سه نفر از یاران به کفر و ارتداد متهم شده، نهایتاً به حکم دادگاه شرع ببا مجبور به فسخ عقد ازدواج خویش با همسرانشان شدند. مسأله حائز اهمیت در این قضیه اینکه حکم صادره از سوی دادگاه (۱۰ مه ۱۹۲۵) که متعاقباً از سوی مفتی مصر و قاضی القضاة قاهره یعنی بالاترین مراجع دینی کشور تأیید شد، به صراحت به استقلال آئین بهائی شهادت داده، آن را دیانتی جدید با اصول و احکام خاص خویش برشمرد. با این اقدام، به فرموده حضرت ولی امرالله معاندین دینی امرالله خود «اولین قدم را... در سبیل استقلال آئین اعزّ اقدس اکرم برداشتند»<sup>۷۴</sup> چند سال بعد در پی ضوضای عوام، مفتی مصر فتوایی صادر نمود که طبق آن، یاران از دفن اموات خود در قبرستان‌های اسلامی ممنوع گردیدند (۱۱ مارس ۱۹۳۹). این اقدامات دشمنان امرالله وسیله‌ای به دست یاران داد که به اولیای امور مراجعه و با استناد به حکم و فتوای صادره از سوی مقامات شرعی در مصر در احراز برخی از حقوق خود مداومت نمایند.

در پی اقدام یاران در مصر، ایران، امریکا و فلسطین موقعیت‌هایی نصیب جامعه بهائی شد. در مصر در وهله اول دو قطعه زمین در قاهره و اسماعیلیه تسلیم یاران شد تا به عنوان قبرستان بهائی مورد استفاده قرار گیرد. در ایران در ابتدا حکم عدم جواز تقیه و کتمان عقیده اعلان و به تدریج تنفیذ

گردید. در این خصوص در سال ۱۹۲۷ حضرت ولی امرالله نخست طی یک تلگراف و سپس در تویعی جداگانه دستور اکید صادر فرمودند که یاران هنگام تهیه شناسنامه (سجل احوال) عقیده خود را به صراحت ابراز نموده، از کتمان و تظاهر خودداری کنند.<sup>۷۵</sup> همچنین اجرای قوانین کتاب اقدس با ملاحظه حکمت، مورد توجه قرار گرفت و در مورد نماز و روزه و ازدواج و طلاق و ارث و تدفین و شرب افیون و مشروبات الکلی، احکام مربوطه به مرحله اجراء درآمد. در مورد تدفین، تمام قوانین مربوطه به استثنای حکم جهت دفن میت تنفیذ شد. در مورد حکم اخیر، به دستور حضرت ولی امرالله قبله اسلامی تا زمان اعلان امرالله ملاک عمل یاران قرار گرفت.<sup>۷۶</sup> در همین دوره گلستان‌های جاوید به تدریج در مراکز امری کشور احداث شد. حکم عدم جواز تقیه در مورد ازدواج بهائی نیز مورد تأکید قرار گرفت و مقرر شد که هنگام ثبت ازدواج در دفاتر مربوطه، یاران اعتقاد خود را علناً بیان نموده و متذکر شوند که مراسم عقد بهائی در مورد ایشان اجرا شده است. بعداً جهت تنفیذ حکم مزبور مقرر شد تخطی از آن به طرد اداری منجر گردد و متخلف از حق انتخاب و عضویت محافل روحانی محروم شود. اقدام یاران ایران برای احراز حقوق حقه خویش به عنوان پیروان دینانی مستقل از جمله سبب شد که ستون مذهب در گذرنامه حذف شود.<sup>۷۷</sup>

در امریکا، نخست محفل روحانی شیکاگو از اولیای امور در ایالت ایلینوی تقاضا نمود ازدواج بهائی را به رسمیت شناخته، محفل روحانی را در اجرای آن مجاز شمارند. در پی اعلان موافقت این مقامات با تقاضای محفل روحانی شیکاگو (سپتامبر ۱۹۳۹)، محافل روحانی در دیگر ایالات امریکا نیز برای تسجیل ازدواج بهائی اقدام نموده، در چند ایالت دیگر نیز ازدواج بهائی به رسمیت شناخته شد. در خاتمه نقشه ده‌ساله، عقدنامه بهائی در بیش از ۳۰ ایالت در امریکا تسجیل شده بود.<sup>۷۸</sup>

اما بزرگ‌ترین موفقیت حاصله در طول دوره ولایت در عرصه استقلال امرالله، در ارض اقدس نصیب جامعه بهائی گردید. از پیش مقامات انگلیسی در فلسطین به استقلال امرالله اذعان نموده، ازدواج بهائی را به رسمیت شناخته و اوقاف امری را از مالیات معاف نموده بودند.<sup>۷۹</sup> پس از تأسیس دولت اسرائیل رؤسای این دولت نیز «اقرار به رسمیت و استقلال آئین بهائی نموده»،<sup>۸۰</sup> اماکن متبرکه و اوقاف بهائی را از مالیات ملی و محلی معاف داشته، ایام محرمه و عقدنامه بهائی را به رسمیت شناختند.<sup>۸۱</sup> لازم به تذکر است که در همین دوره، عقدنامه بهائی در برخی از کشورهای دیگر نیز به تسجیل مقامات دولتی رسید.<sup>۸۲</sup> نیل به این پیروزی در چند کشور اسلامی از جمله عراق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. البته بعدها در برخی از کشورهای اسلامی رسمیت اعطائی به عقدنامه بهائی الغا شد.

از اهداف نقشه ده‌ساله تأسیس "محکمه علیا" (Bahá'í International Court) در ارض اقدس و ۶ محکمه ملی بهائی در ممالک اسلامی در پایتخت‌های عراق، ایران، مصر، هندوستان، پاکستان و افغانستان بود.<sup>۸۳</sup> مقصد این بود که این محکمه‌ها رسماً صلاحیت اجرای احکام کتاب اقدس را در

امور مربوط به احوال شخصیه اهل بهاء احراز نمایند. در عین حال حضرت ولی امرالله پیش‌بینی می‌نمودند که شاید تحقق این هدف به علت گرایش به جدائی دین از سیاست در این قسمت از عالم و تبدیل محکمه‌های شرعی به مدنی میسر نشود.<sup>۸۴</sup> در عمل هیچ یک از این محاکم تأسیس نشد.

### توسعه نطق امرالله

بسط و توسعه دائره نفوذ آئین الهی مستلزم ازدیاد عدد پیروان و مراکز امری و گسترش جغرافیائی امرالله در عالم، اقبال نفوس از نژادها، اقوام و قبائل مختلف، و طبع، ترجمه و انتشار آثار امری است. حضرت عبدالبهاء در الواح نقشه ملکوتی خطاب به احبای شمال امریکا فرمان فتح روحانی عالم را صادر نموده و طرح آن را ارائه فرموده بودند. فرمان الهی ضمن چهارده لوح در بحبوحه جنگ جهانی اول (مارس ۱۹۱۶ - مارس ۱۹۱۷) صادر شده بود. از اینها ۵ لوح قبل از خاتمه جنگ به امریکا رسیده بود. اما همه این الواح اول بار در "مؤتمر میثاق" که از ۲۶ تا ۳۰ آوریل ۱۹۱۹ در نیویورک برگزار شد به نظر حاضران رسید و مورد گفتگو قرار گرفت.<sup>۸۵</sup> در پی آن تنی چند از یاران از جمله مارثا روت به تبلیغ امرالله در پهنه جهان قیام نمودند، اما نشر این الواح در این مرحله به قیامی عمومی برای انتشار امرالله در عالم منجر نگردید و اقدامات انجام شده عمدتاً محدود به امریکا بود.<sup>۸۶</sup> در عین حال مؤسسات و تشکیلاتی که کافل دوام و استمرار فعالیت‌های تبلیغی باشد موجود نبود. حضرت ولی امرالله زمانی فرموده بودند که تقریباً هیچ چیزی از آنچه فخر المبلّغین و المبلّغات مارثا روت به آن نائل شده بود باقی نمانده بود چه که در آن زمان هیچ مؤسسه و برنامه‌ای موجود نبود که زحمات او را دنبال کند و بذره‌های کشته را به ثمر رساند.<sup>۸۷</sup> با تأسیس و استقرار مؤسسات نظم بدیع در عالم، ابزار لازم برای اجرای مؤثر و منظم فرمان تبلیغی حضرت عبدالبهاء فراهم شد.

فتح روحانی ممالک عالم لزوماً می‌بایست مطابق نقشه‌هایی منظم انجام گیرد. نخستین مرحله از تنفیذ فرمان حضرت عبدالبهاء با افتتاح نقشه هفت ساله اول احبای شمال امریکا که از رضوان ۱۹۳۷ تا رضوان ۱۹۴۴ ادامه یافت آغاز شد. حضرت ولی امرالله نقشه هفت ساله اول را بنفسه طرح و تنظیم فرمودند. این نقشه که "اعظم مشروع" قرن اول بهائی محسوب می‌شود<sup>۸۸</sup> سه هدف را دنبال می‌نمود:

- ۱- تکمیل تزیینات خارجی امّ المعابد غرب؛ ۲- تأسیس یک محفل روحانی در هر یک از ایالات امریکا و ولایات کانادا؛ و ۳- تأسیس یک مرکز امری در هر یک از جمهوری‌های امریکای لاتین.

نقشه هفت ساله با موفقیت کامل به انجام رسید. در پی اجرای این نقشه مراکز امری در ایالات متحده امریکا که شمار آنها در آغاز نقشه به ۳۰۰ می‌رسید از ۱۳۰۰ تجاوز نمود. دائره امرالله در قاره امریکا از شمال آلاسکا در نزدیکی مدار قطب شمال تا جنوبی‌ترین شهر این قاره یعنی شهر مجلانیس (ماژلان) در شیلی امتداد یافت<sup>۸۹</sup> و مراکز امری در تمامی جمهوری‌های مرکزی و جنوبی امریکا تأسیس شد.<sup>۹۰</sup> بدین ترتیب اساس امرالله در قاره امریکا که مقدر بود نقشی اساسی در انتشار امرالله به

سایر نقاط عالم در ظلّ نقشه ملکوتی ایفا کند تحکیم گردید.

یک سال پس از آغاز نقشه هفت ساله اول یاران امریکا، محفل روحانی ملی هندوستان، پاکستان و برمه نقشه شش ساله‌ای را به ابتکار خویش آغاز نمود که با موفقیت به انجام رسید (آوریل ۱۹۳۸-۱۹۴۴).<sup>۹۱</sup> با افتتاح قرن دوم بهائی، چندین محفل روحانی ملی به اجرای نقشه‌های تبلیغی مبادرت نمودند. این نقشه‌ها عبارت بودند از: نقشه شش ساله محفل روحانی ملی جزائر بریتانیا (رضوان ۱۹۴۴ - ۹ ژوئیه ۱۹۵۰)؛ نقشه هفت ساله دوم یاران امریکا (رضوان ۱۹۴۶ - رضوان ۱۹۵۳)؛ نقشه چهار ساله و نیم هندوستان و پاکستان و برمه (۹ ژانویه ۱۹۴۶ - ۹ ژوئیه ۱۹۵۰)؛ نقشه چهل و پنج ماهه یاران ایران (۱۱ اکتبر ۱۹۴۶ - ۹ ژوئیه ۱۹۵۰)؛ نقشه شش ساله استرالیا (۱۹۴۷-۱۹۵۳)؛ نقشه سه ساله عراق (۱۹۴۷-۱۹۵۰). اهداف این نقشه‌ها عبارت بودند از:

«... تأسیس محافل روحانیه در عواصم ده مملکت از ممالک مستقله قاره اوروپ و اتمام و اکمال تزئینات داخله امّ المعابد غرب در ایالات متّحده و اقامه سه رکن از ارکان بیت عدل اعظم و تشکیل سه محفل مرکزی در اقلیم کندا و جمهوریات جنوبی و مرکزی قاره امریکا و ایجاد نوزده محفل روحانی در عواصم جزیره ایرلند و ویلس و اسکاتلند و مراکز دیگر در جزائر بریتانیای عظمی و اعاده تشکیل محافل منحلّه و تأسیس نود و پنج مرکز در ایالات و ولایات موطن اقدس جمال ابهی و مضاعفه عدد محافل روحانیه موجوده در کشور هند و برما و تشکیل سی و هشت مرکز در قاره استرالیا و استحکام اساس دین مبین و ازدیاد مراکز امریه در شطّ العرب و الویه تابعه خطه مبارکه عراق و اتّساع دائره جامعه جدید التّاسیس در جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره امریکا و تأسیس محفل روحانی در امارت بحرین و ارض حجاز و عاصمه افغانستان و تشکیل مراکز جدید در یمن و احسا و امارت کویت و عدن و عمان از اقلیم عربستان».<sup>۹۲</sup>

در کانادا، پس از تأسیس محفل روحانی ملی در رضوان ۱۹۴۸، یاران این سامان متعهد اجرای نقشه پنج ساله خویش شدند. محفل روحانی ملی آلمان و اطریش که بعد از خاتمه جنگ جهانی مجدداً در سال ۱۹۴۶ تشکیل شده بود و نیز محفل روحانی ملی مصر و سودان هر یک در سال ۱۹۴۸ نقشه پنج ساله‌ای را آغاز نمودند که مقرر بود مقارن افتتاح نقشه ده ساله به پایان رسد. با تشکیل محافل ملی امریکای مرکزی و جنوبی در رضوان ۱۹۵۱، هر یک از این دو محفل نیز عهده‌دار اجرای نقشه تبلیغی خویش شدند. در همان سال، محفل روحانی ملی هندوستان، پاکستان و برمه برای بار سوم به ابتکار خود نقشه‌ای را طرح و به مرحله اجرا گذارد (نقشه ۱۹ ماهه، سپتامبر ۱۹۵۱ - رضوان ۱۹۵۳).

از میان محافل ملی، محفل ملی امریکا و کانادا بار عمده اهداف این نقشه‌ها را متحمل بود به طوری که علاوه بر اهداف داخله که از جمله تشکیل محفل ملی مستقل کانادا را شامل می‌شد، در

سی کشور دیگر نیز اهدافی را دنبال می نمود. از این همه، اهداف اروپائی نقشه هفت ساله از اهمیت خاصی برخوردار بودند. موفقیت حاصله در اجرای اهداف نقشه موجب شد که حضرت ولی امرالله در طول نقشه هدف های جدیدی را در آفریقا و اروپا به محفل ملی ایالات متحده آمریکا واگذار نمایند که از جمله تأسیس محفل ملی ایتالیا و سوئیس، اشرف ثمره اقدامات این محفل در اروپا را شامل می شد (رضوان ۱۹۵۳).

در ایران اهداف نقشه چهل و پنج ماهه مزید بر آنچه تعیین شده بود و زودتر از موعد مقرر تحقق پیدا کرد. در رضوان ۱۹۵۰ به ازای تشکیل مجدد ۶۲ محفل منحلّه و تأسیس ۲۰ جمعیت و ۱۳ مرکز منفرد جدید در داخل ایران، ۹۳ محفل، ۳۷ جمعیت و ۲۴ مرکز منفرد مجدداً تشکیل و یا برای نخستین بار تأسیس شده بود. در خارج ایران در مقابل تشکیل محافل روحانی کابل، مکه و بحرین و ۴ جماعت در شبه جزیره عربستان، ۴ محفل و ۶ جماعت یا مرکز منفرد تشکیل شده بود.<sup>۹۳</sup>

در ایران علاوه بر نقشه چهل و پنج ماهه، نقشه چهار ساله نسون نیز به مرحله اجرا گذارده شد (۱۹۴۶-۱۹۵۰).<sup>۹۴</sup> در نتیجه اجرای این نقشه زمینه برای احراز مساوات کامل اداری بانوان در ایران که بعداً از اهداف نقشه ده ساله تعیین شد فراهم گشت و بانوان ایران با آغاز سال دوم نقشه ده ساله (رضوان ۱۹۵۴) حق عضویت در محافل ملی و محلی را کسب نمودند.<sup>۹۵</sup> یادآوری می شود که قبلاً در سال ۱۹۲۳ "قدم اول" در جهت مساوات حقوق رجال و نساء در ایران، با اعطای حق ابدای رأی به بانوان برداشته شده و سپس از رضوان ۱۹۳۷ عضویت ایشان در لجنه های مرکزی و محلی در جمیع ولایات ایران ممکن شده بود.<sup>۹۶</sup>

از پیروزی های مهمی که نصیب شد پیشرفت چشمگیر امر در قاره آفریقا بود. در آوریل ۱۹۵۱ نقشه دو ساله آفریقا آغاز شد. پنج محفل مرکزی، یعنی محافل روحانی ایالات متحده آمریکا، مصر و سودان، ایران، هندوستان و پاکستان و برمه، و جزائر بریتانیا به هدایت محفل اخیر برای نیل به اهداف این نقشه با یکدیگر همکاری می کردند. حصول موفقیت هایی بیش از اهداف تعیین شده و اهم از آن، قیام مؤمنان جدید به تبلیغ و شرکت در فتح روحانی اقالیم غیرمفتوحه باقی مانده، دو خصوصیت بارز نقشه آفریقا محسوب تواند شد. در اثر اقدامات انجام شده، در عرض یک سال متجاوز از ۲۵۰ نفر به امر مبارک اقبال نمودند که بشارت آن را حضرت ولی امرالله ضمن توقیع نوروز ۱۱۰ بدیع (۱۹۵۳ میلادی) به یاران در شرق ابلاغ فرمودند.<sup>۹۷</sup> این نخستین باری بود که هیکل مبارک ضمن یکی از توقیعات مبارکه عمومی خویش به یاران شرق، به ذکر ارقام محافل و مراکز امریه اکتفا نموده، عدد نفوس مقبله را نیز ذکر می فرمودند. همچنین به عبارت «یدخلون فی دین الله افواجا» استناد نموده،<sup>۹۸</sup> در واقع به تلویح تحقق اقبال گروه های مردم را در این قاره و جزائر مجاوره آن پیش بینی می فرمودند. بیانات مبارک نمایانگر استعداد روحانی آفریقا است، قاره ای که به فرموده حضرتش بر خلاف دیگر قارات عالم از آلودگی مادیات برکنار مانده بود.

قیام یاران در ظلّ نقشه‌های تبلیغی "مقدمه" تحقّق بشارت کتاب دانیال نبی بود<sup>۹۹</sup> که تحقّق آن به طور کامل منوط به فتح و تسخیر دیگر ممالک عالم در ظلّ نقشه ده ساله جهاد کبیر اکبر بود.<sup>۱۰۰</sup> با اجرای این نقشه‌ها که محافل روحانی ملی کشورهای مختلف مستقلاً به طرح و تنفیذ آنها اقدام نموده بودند، این محافل «لیاقت و استعداد لازم جهت اقدام و اشتراک» در اجرای نقشه ده ساله را کسب نمودند.<sup>۱۰۱</sup>

### نقشه ده ساله جهاد جهانی روحانی

صد سال پس از دعوت سّری جمال ابھی در سیاه چال طهران و در آستانه افتتاح نقشه ده ساله، امرالله در ۱۲۸ کشور و سرزمین از «اقصی شمال به اقصی جنوب عالم و از شرق اقصی به غرب اقصی»<sup>۱۰۲</sup> نفوذ نموده و عدد مراکز امریه در عالم به ۲۵۰۰ رسیده بود. عدد زبان‌هائی که نشریات امری به آنها ترجمه و منتشر شده بود به ۷۱ بالغ و ترجمه آثار به ۱۵ زبان دیگر در دست انجام بود. نمایندگان ۳۰ نژاد از نژادهای عالم و ۲۳ قبیله از قبائل مختلف آفریقا در ظلّ امرالله وارد گشته بودند.<sup>۱۰۳</sup> نقشه ده ساله در واقع مرکب از ۱۲ نقشه تبلیغی ملی بود که همزمان توسط ۱۲ محفل روحانی ملی به مرحله اجرا گذارده می‌شد. این نقشه چهار مقصد اصلی را مدّ نظر داشت: ۱- توسعه و تقویت مؤسّسات امرالله در ارض اقدس؛ ۲- تقویت جامعه بهائی در ممالکی که دارای محافل ملی بوده و می‌بایست به عنوان مراکز اداری جهت تنفیذ نقشه‌های تبلیغی ملی عمل کنند؛<sup>۱۰۴</sup> ۳- استحکام اساس امرالله در کلیه ممالکی که از پیش فتح شده بودند؛ ۴- فتح ۱۳۱ کشور و سرزمین دیگر از میان ممالک مستقله و اقلیم تابعه و جزائر مهمّه عالم.<sup>۱۰۵</sup> نیل به این مقاصد اصلی مستلزم تحقّق ۲۷ هدف مشخص بود،<sup>۱۰۶</sup> از جمله «مضاعفه عدد اقلیم که در ظلّ امر الهی وارد گشته»، «ازدیاد عدد لغاتی که آثار امریه به آن ترجمه و طبع شده و یا در دست ترجمه است به بیش از دو برابر»، «مضاعفه عدد مشارق اذکار در جامعه بهائی»، «تنظیم و تدوین احکام منصوصه کتاب مقدّس اقدس»، «بنای محفظه آثار بین المللی»، «تزیید عدّه محافل مرکزی روحانی به بیش از چهار برابر»، «تأسیس شش مؤسسه مطبوعات ملی بهائی»، «اشتراک اماء الرّحمن ایران در عضویت محافل روحانی ملی و محلی»، «تأسیس مطبعه ملی بهائی در عاصمه ایران»، «در صورت امکان انضمام یازده جمهوریّت که از اجزاء اتّحاد جماهیر شوروی محسوبند و دو کشور از کشورهای اروپا که مرتبط و تحت نفوذ آن هیأت است به دائره نظم اداری امر الهی» و «انعقاد کنگره جهانی بهائی در جوار باغ رضوان» در بغداد.

مطابق نقشه ده ساله می‌بایست ۱۳۱ اقلیم و جزیره جدید فتح شود که این رقم از جمله تمامی اقلیم باقی‌مانده مذکور در الواح نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء و نیز جمهوری‌های اتّحاد جماهیر شوروی که هنوز در ظلّ امر وارد نشده بودند را شامل می‌شد. دو برابر نمودن مشارق اذکار بهائی مقرر بود از طریق تأسیس امّ المعابد ایران مشرف به شهر طهران و امّ المعابد اروپا در نزدیکی

فرانکفورت صورت گیرد. اما جهت ازدیاد عدد محافل روحانی ملی به چهار برابر تشکیل ۴۸ محفل روحانی ملی جدید در نظر گرفته شده بود که با احتساب محافلی که از قبل موجود بود شمار محافل ملی در پایان نقشه می‌بایست به ۵۷ می‌رسید.

با آغاز سال مقدّس و افتتاح رسمی نقشه ده ساله در رضوان ۱۹۵۳، اولین مرحله نقشه که فتح اقلیم و جزائر جدید را شامل می‌شد با سرعت چشمگیری پیشرفت نمود به طوری که تا رضوان ۱۹۵۴ مهاجرین در ۱۰۰ اقلیم از ۱۳۱ اقلیم مذکور در نقشه مستقر شده بودند. اهداف مراحل بعدی نقشه نیز به سرعت به اجرا درآمد و این پیروزی‌ها سبب سرور موفور حضرت ولیّ امرالله در سال‌های آخر حیات مبارک شد. هیکل مبارک در تویع نوروز ۱۱۳ بدیع، آخرین تویع عمومی صادره از قلم حضرتش خطاب به یاران شرق، به قیام و اقدام نفوس جدید الاقبال به خدمات امری در ممالک فتح شده اشاره نموده و می‌فرمایند که «در نتیجه این فوز مبین مروّجین امر نازنین در این اقلیم از آنچه مأمول بوده و در نقشه ده ساله تصریح و تعیین گشته تجاوز نموده‌اند و به مقامی رسیده‌اند که احدی در آغاز این [جهاد] کبیر اکبر تصوّر چنین فتح و پیروزی و فلاح و نجاح را قطعاً نمی‌نمود.»<sup>۱۰۷</sup>

در خاتمه نقشه (رضوان ۱۹۶۳) اگرچه فتح روحانی جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی و نیز کشورهای تحت سلطه کمونیسم که جزو اهداف نقشه منظور شده بودند (همچنان که حضرت ولیّ امرالله نیز پیش‌بینی می‌فرمودند) ممکن نشد اما در مقابل، اقلیم و جزائر دیگری به تسخیر امر الهی درآمد و هدف ۱۳۱ اقلیم و جزیره جدید در ظلّ امر تحقّق یافت.

در مجموع، پیروزی‌های به دست آمده بیش از میزان تعیین شده در نقشه ده ساله بود. مطابق نقشه می‌بایست شمار زبان‌هایی که آثار بهائی به آنها ترجمه و نشر شده بود از ۸۶ به ۱۷۷ افزایش یابد (۹۱ زبان جدید)، یعنی کمی بیش از دو برابر شود. در پایان نقشه آثار امری به ۲۲۰ زبان جدید ترجمه و طبع شده بود، یا به عبارت دیگر، در طول نقشه شمار این زبان‌ها به بیش از سه برابر افزایش یافته بود. همچنین ۷ مؤسسه مطبوعات بهائی (به جای ۶ مؤسسه تعیین شده) تأسیس شدند و در مقابل خرید محلّ ۱۱ مشرق الاذکار، زمین ۴۶ مشرق الاذکار خریداری شد. شمار نژادهای عالم که در نطق امر وارد شده بودند از ۳۰ به ۷۱ افزایش یافت و ۳۴۹ قبیله از قبائل مختلف آفریقا (در قبال ۲۳ در آغاز نقشه) در ظلّ امرالله وارد گشتند.

از اهداف نقشه ده ساله یکی هم «تحکیم روابط بین جامعه بین‌المللی بهائی و هیأت امم متّحده» بود.<sup>۱۰۸</sup> قبلاً اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل متّحد در ۲۶ مارس ۱۹۴۸ جامعه بین‌المللی بهائی (Bahá'í International Community) را به عنوان یک سازمان غیردولتی (NGO) به رسمیت شناخته بود. در اهمّیت این قضیه کافی است اشاره شود که حضرت ولیّ امرالله آن را مقدمه اعلان رسمیت آئین حضرت بهاءالله در سراسر عالم محسوب فرموده‌اند.<sup>۱۰۹</sup> از این تاریخ برای نمایندگان جامعه بهائی میسر شده بود که در کنفرانس‌ها و اجتماعاتی که از سوی سازمان ملل متّحد تشکیل

می‌شد شرکت کرده، نظرهای جامعهٔ بهائی را گوشزد حاضران نموده و از این طریق روابط جامعهٔ بین المللی بهائی را با سازمان ملل متحد تحکیم بخشند. شناسائی اعطائی به جامعهٔ بهائی در عین حال برای جوامع بهائی که در کشورهای شرقی تحت تزییقات بسر برده و می‌برند اثراتی محرز داشته و دارد.<sup>۱۱۰</sup> لازم به تذکر است که قبلاً دفتر بین المللی بهائی در بهار سال ۱۹۲۵ در ژنو در مرکز مجمع اتفاق ملل (یا "جمعیت امم") تأسیس شده و این دفتر نیز تا حدودی در ایجاد روابط با سازمان مذکور که در زمان خود بالاترین مرجع بین المللی محسوب می‌شد کسب موفقیت نموده بود.

علاوه بر بسط و گسترش امرالله در پهنهٔ عالم و نیز ترجمهٔ آثار امری به زبان‌های مختلف، دورهٔ ولایت شاهد افزایش عدد و وسعت نشریات ادواری بهائی نیز بود. علاوه بر مجلاتی که انتشار آنها از زمان حضرت عبداله‌البهاء شروع شده و در این دوره ادامه پیدا کرد،<sup>۱۱۱</sup> نشریات جدیدی نظیر الاشراف (*The Dawn*) در برمه (۱۹۲۳) و *Herald of the South* در استرالیا و نیوزیلند (۱۹۲۵)، و نیز مجلات اخبار امری در کشورهای مختلف از جمله امریکا، آلمان، انگلستان، استرالیا و نیوزیلند پدیدار شدند. در میان نشریات ادواری، از همه مهم‌تر کتاب "عالم بهائی" (*The Bahá'í World*) بود که شمارهٔ نخست آن در سال ۱۹۲۶ تحت عنوان "سالنامهٔ بهائی" (*Bahá'í Year Book*) منتشر شد.

### اشتهار امر الهی

برشماری تحولات کلی تاریخ امر در دورهٔ ولایت کامل نخواهد بود اگر به حوادث مهمی که بر اشتهار امر الهی افزود اشاره‌ای نشود. انتشار امرالله در سطح عالم بیش از پیش صیت امر الهی را بلند نمود. اما در عین حال سه حادثهٔ مهم نیز به نحوی اساسی در اشتهار امر الهی مؤثر واقع گردید، یعنی غضب و تصرف بیت اعظم در عراق، اقبال ملکهٔ رومانی به امر مبارک و اعلان‌های عمومی وی، و حملهٔ شدید دشمنان دیرین در موطن جمال ابهی در اواخر این دوره.

اولین حمله بر امرالله از سوی دشمنان خارج، از ناحیهٔ حزب شیعه در عراق صدور یافت. مدت کوتاهی پس از صعود حضرت عبداله‌البهاء شیعیان عراق به تصرف بیت اعظم در بغداد مبادرت نمودند. به دنبال پیگیری احباب، این قضیه از محکمهٔ شرعی جعفری نخست به محاکم مدنی و سپس به دادگاه عالی عراق ارجاع شد ولی به علت همراهی پادشاه و سیاسیون کشور با علمای شیعه رفع ظلم از احباب نشد. نهایتاً قضیهٔ بیت مبارک به مجمع اتفاق ملل ارجاع شد و در آن جا پس از تحقیق، تعدی شیعیان به اثبات رسیده، شهادتنامه‌ای از سوی مجمع مزبور منتشر شد و دستور لازم به حکومت بریتانیا برای محافظهٔ حقوق احباب صادر شد ولی این اقدام نیز مثمر ثمر واقع نشد و کماکان بیت اعظم در تصرف شیعیان باقی ماند. اما در اثر این اقدام دشمنان امرالله، نام آئین الهی گوشزد بسیاری از زمامداران و مردم عالم شد.

اقبال ماری ملکهٔ رومانی به امر الهی، اولین نفس از بین تاجداران عالم که به نصرت شریعت ابهی



قیام نمود و هفت اعلان پی در پی وی که ضمن آنها به صرافت طبع به عظمت مقام حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء و ستایش از آئین جدید و نیز رسالت حضرت محمد زبان گشود به نوبه خود بر شهرت امر الهی بسی افزود. سه اعلان نخست این ملکه در قریب به ۲۰۰ روزنامه در امریکا و کانادا منتشر شد (۱۹۲۶) و بعداً به زبان‌های دیگر ترجمه و در چند کشور دیگر نیز به طبع رسید. بنا به اظهار محفل ملی امریکا شمار نسخ جرائد و مجلات خارجی که این سه اعلان را منتشر نمودند از ده میلیون افزون بود.<sup>۱۱۲</sup> این ملکه آخرین بار دو سال قبل از صعود خویش که در ژوئیه ۱۹۳۸ روی داد به عظمت آئین بدیع شهادت داد.

اما آخرین واقعه مهم این دوره که به اشتها بی سابقه آئین الهی منتهی شد تضيیقات وارده بر جامعه یاران در قضیه فلسفی بود. در ایام رمضان سال ۱۹۵۵ (آوریل - مه) شیخ محمد تقی فلسفی در مسجد خوئی‌های طهران به شدت به امرالله و احباب حمله نمود و سخنان وی از رادیوی ملی در سراسر کشور پخش شد و ضمناً حمله به امرالله در جرائد و مطبوعات نیز منعکس گردید. در ۲ مه پلیس حظیره القدس ملی را بست و از اجتماع یاران در جلسه آخرین روز انجمن شور روحانی ملی جلوگیری نمود. در ۷ مه حظیره القدس ملی به اشغال ارتش درآمد. بر اثر این تحریکات احباب در سراسر کشور مورد حمله دشمنان قرار گرفته و حظائر قدس محلی در بسیاری از نقاط کشور ضبط گردید. در ۱۷ مه وزیر کشور در مجلس اعلان نمود که آئین بهائی را غیرقانونی اعلام نموده و به ضبط حظائر قدس دستور داده است. در ۲۲ مه قبه حظیره القدس ملی ایران با حضور و مشارکت افسران برجسته ارتش و نیز شیخ محمد تقی فلسفی تخریب شد. بیت مبارک شیراز دو بار مورد حمله و لطمه قرار گرفت و بیت خال اعظم در نزدیکی آن تخریب گردید. انتشار عکس‌های مربوط به تخریب قبه حظیره القدس ملی در طهران عوام را بیش از پیش تحریک نمود. در هرمزک یزد هفت نفر از یاران به طرز فجیعی به شهادت رسیدند (۲۸ ژوئیه) و عده‌ای دیگر به شدت مجروح شدند. بعداً در خراسان بیش از ۸۰ نفر از رجال و نساء احباب را پالان و افسار نموده، چهار دست و پا در کوچه و بازار گردانیدند.<sup>۱۱۳</sup> به زودی پس از آغاز این تضيیقات، یاران در سراسر جهان به هدایت حضرت ولی امرالله با ارسال بیش از هزار نامه و تلگراف به مقامات ایران تظلم نمودند. به دنبال عدم اعتنای این مقامات، نمایندگان جامعه بین المللی بهائی به هیأت نمایندگان سازمان ملل متحد در ژنو متوسل شده با ارائه مدارک مستند دفع ظلم را از یاران ایران مطالبه نمودند (ژوئیه - اوت). در پی انعکاس این واقعات در سازمان ملل، دبیر کل این سازمان هیأتی را تعیین نمود و با نمایندگی دولت ایران در این خصوص تماس گرفته شد و به زودی دفع ظلم از یاران گردید به طوری که «مقاومت و مهاجمه شدید بر حزب مظلوم در شهر رمضان مبدل به محافظت و صیانت پیروان ستم‌دیده حی قیوم در ایام محرم و صفر گشت».<sup>۱۱۴</sup>

اهمیت این واقعه به حدی است که به فرموده حضرت ولی امرالله در اثر آن جامعه بهائی به مرحله

جدیدی از تحوّل خود وارد گردید. پیش از این تاریخ، مرحله تأسیس و استحکام نظم بدیع الهی سپری شده بود، و اکنون با حدوث این پیش آمد مرحله دوّم که مرحله ترویج و اتّساع نطاق امرالله بود به انتها رسیده و مرحله «اشتهار و ارتفاع صیت امر حضرت کردگار» آغاز شده بود.<sup>۱۱۵</sup> مطابق بیان هیکل مبارک، در مرحله اخیر در میقات معین زمامداران سیاسی و علمای مذهبی و عموم مردم بر ضدّ امر قیام نموده و این حرکت ایشان به نوبه خود موجب «اعلان» آئین یزدان در تمام جهان خواهد شد، و در پی این اعلان نیز بشارت «یدخلون فی دین الله افواجا» تحقّق خواهد یافت.

### خاتمه

در پایان عصر رسولی و آستانه عصر تکوین امرالله تنها در معدودی از کشورها و جزائر جهان انتشار یافته بود. شمار پیروان آن در اکثر جوامع اندک و در بعضی نقاط انگشت‌شمار، و درک ایشان از حقائق امر بدیع و مقاصد آن محدود بود. همچنین تنها معدودی مؤسّسات نوپای امرالله در برخی از کشورها از پیش تأسیس شده بودند که هیچ یک بر اساس صحیحی استوار نبودند و به طور کلی اصول نظم اداری بهائی تبیین و تفهیم نشده بود. اهل عالم عموماً از وجود جامعه بهائی بی اطلاع، و آن عده که از وجودش آگاه بودند از شأن و مقام امر بدیع غافل، بلکه آن را فرقه‌ای اسلامی و فاقد هویت می‌پنداشتند که جدیداً سربرآورده و چه بسا به زودی، خود دچار انشعاب شده و از صفحه روزگار محو گردد.

در طیّ ۳۶ سال دوره ولایت، اهداف و مقاصد عالیّه امرالله تبیین و به صراحت اعلان شد، اساس مؤسّسات نظم بدیع در بسیاری از نقاط عالم مستقرّ شد و در ظلّ هدایت حضرت ولیّ امرالله و این مؤسّسات نوپدید، نقشه‌های تبلیغی به مرحله اجرا درآمده، امرالله در اکثر ممالک و جزائر عالم نفوذ نمود و جامعه بهائی به جامعه‌ای جهانی که پیروانش نماینده کثیری از نژادها، اقوام و ملل عالم محسوب تبدیل شد. این همه چهره جامعه بهائی را دگرگون ساخت و بر شهرت و اعتبار پیروان آئین جدید که در چنین مدّت کوتاهی، علی‌رغم شمار اندک خویش و قوای مادی محدود این چنین رشد و تحوّل را پدید آورده بودند افزود.

حضرت عبدالبهاء در دو لوح مبارک، در اشاره به بشارت ۱۳۳۵ مذکور در کتاب دانیال نبی، تقدّم امرالله را در آن زمان چنین توصیف می‌فرمایند: «در آن تاریخ آثار علوّ و امتناع و سموّ و اعتلا از برای کلمه الله در شرق و غرب حاصل گردد» و نیز «تعالیم الله تتمکن فی الارض حقّ التّمکن و تملأ الانوار مشارق الارض و مغاربها».<sup>۱۱۶</sup> بشارت دانیال به خاتمه نقشه ده ساله، یعنی سال ۱۹۶۳ میلادی اشاره دارد.<sup>۱۱۷</sup> در این زمان جامعه بهائی به جامعه‌ای جهانی تبدیل شده و تعالیم الهی چنانچه در لوح مبارک مذکور آمده در ارض تمکن یافته بود.

رضوان ۱۹۶۳	اکتبر ۱۹۵۷	خاتمه ۱۹۵۲	۱۹۴۴	
۵۶	۲۶	۱۱	۷	محافل ملی
> ۳۵۵۰	> ۱۰۰۰	> ۶۱۰	> ۴۹۰	محافل محلی
۴۳		۹	۵	محافل ملی تسجیل شده
۵۶	۴۸	۸	۶	حظائر قدس ملی
۴			۲	مشرق الاذکار
۲۵۹	۲۵۴	۱۲۸	۷۸	ممالک مستقله و اقالیم تابعه
> ۱۱۰۷۰	۴۵۰۰	۲۵۰۰		مراکز امری
۳۰۹	۲۳۷	۷۱		لغات
۷۱		۳۰	۳۱	نژادها
۳۴۹		۱۲		قبائل افریقا
۸۳				قبائل سرخپوست قاره امریکا
۸۷				قبائل و اقوام شبه قاره هند و اقیانوس آرام و اقیانوس هند

جدول ۱: آمار مربوط به پیشرفت امرالله در سال‌های مختلف دوره ولایت و در خاتمه نقشه ده ساله. ۱۱۸

### یادداشت‌ها

- ۱- حضرت ولی امرالله، کتاب قرن بدیع، نشر دوم (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۱۴۹ ب، ۱۹۹۲ م)، ص ۶۶۷؛ Shoghi Effendi, *God Passes By*, rev. ed. (Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1974), p. 329.
- ۲- شمار سرزمین‌هائی که در پایان عهد ابهی و عهد میثاق به روی امر الهی گشوده شده بودند بسته به اینکه حدود این سرزمین‌ها بر مبنای چه معیاری تعیین شود می‌تواند متفاوت باشد. حضرت ولی امرالله در توفیق نوروز ۱۱۰ بدیع اسامی ۱۱ مملکت و اقلیم را که در عهد ابهی به روی امر گشوده شده بودند به ترتیب زیر ذکر می‌فرمایند: ۱- مهد امر (ایران)؛ ۲- عراق عرب؛ ۳- روم (ترکیه)؛ ۴- هندوستان؛ ۵- قفقازیا؛ ۶- برما؛ ۷- ترکستان؛ ۸- مصر؛ ۹- سودان؛ ۱۰- سوریه؛ ۱۱- لبنان (حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه [لانگنهاین: لجنه ملی نشر آثار امری، ۱۴۹ ب، ۱۹۹۲ م]، صص ۴۲۲-۴۲۳). اما مثلاً در دو جزوه که در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۲ به زبان انگلیسی به طبع رسیده، به ترتیب از ۱۳ و ۱۵ مملکت نام می‌برند. هیکل مبارک در جزوه منتشره به سال ۱۹۵۲، پاکستان و اسرائیل را که در آن زمان دولی مستقل تشکیل داده بودند جدا از هندوستان و سوریه ذکر نموده و نیز به جای قفقاز، از سه جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان نام می‌برند. بدین ترتیب شمار ممالک فتح شده در خاتمه عهد ابهی به ۱۵ و در خاتمه عهد میثاق به ۳۵ بالغ می‌شود. ن ک به:

Shoghi Effendi, *The Bahá'í Faith, 1844-1950: Information Statistical and Comparative* (Wilmette: Bahá'í Publishing Committee, 1950), p. 4; idem, *The Bahá'í Faith, 1844-1952:*

*Information Statistical and Comparative* (Wilmette: Bahá'í Publishing Committee, 1953), p. 6.

شمار ممالک مفتوحه را در خاتمه عصر رسولی به نحو دیگری ۳۷ نیز می‌توان تعیین نمود. ن ک به:

*The Bahá'í World*, vol. 14 (Haifa: The Universal House of Justice, 1974), p. 143.

۳- حضرت ولی امرالله، تویعات مبارکه، ص ۳۴۶. در مورد نام شهر "بهیه" ن ک به تویع نوروز ۱۰۱ بدیع، ایضاً، ص ۲۴۳.

۴- ایضاً، ص ۳۵۰.

۵- مسعود برجیس، نظری به تاریخ امر بهائی در کشور آلمان، قسمت سوم، پیام بهائی، شماره ۱۰۴ (زویة ۱۹۸۸)، ص ۱۲.

۶- حضرت ولی امرالله، تویعات مبارکه، ص ۳۳۱.

۷- در کنار نجم باختر که از سال ۱۹۱۰ (ابتدا تحت عنوان *Bahai News*) در امریکا به طبع می‌رسید، در اواخر عهد میثاق نشریات دیگری نظیر البشارت (*Bahá'í News*) در هندوستان (به دو زبان فارسی و انگلیسی از مارس ۱۹۲۱)، "شمس حقیقت" (*Sonne der Wahrheit*) در آلمان (مارس ۱۹۲۱)، "نجم خاور" (*Star of the East*) در ژاپن (اکتبر ۱۹۲۰)، خورشید خاور در ترکستان (۱۹۱۷)، و "اطفال ملکوت" (*The Children of the Kingdom*) و "حقیقت" (*Reality*) (۱۹۱۹) در امریکا آغاز به انتشار نموده بودند. اولین شماره مجله اخبار امری ایران نیز در سال ۱۳۰۰ شمسی (۱۹۲۱) منتشر شد، ولی در انتشار آن گاه وقفه حاصل می‌شد.

۸- در مجله نجم باختر ترجمه سخنان جناب فاضل مازندرانی در مؤتمر سالانه یاران امریکا (نیویورک، ۲۹ آوریل ۱۹۲۰) در باره محافل روحانی در ایران آمده است. از متن این مقاله چنین برمی‌آید که انتخاب محافل روحانی در ایران در این زمان در دو مرحله صورت می‌گرفته و وکلای یاران که در مرحله نخست انتخاب می‌شدند از بین خویش (و نه عموم یاران مقیم ناحیه خود) اعضای محفل روحانی محلی را انتخاب می‌نمودند. ن ک به:  
*Star of the West*, vol. 11, no. 10 (8 September 1920), pp. 155-58; *ibid*, vol. 11, no. 11 (27 September 1920), pp. 195-97.

۹- حضرت ولی امرالله، نظم جهانی بهائی: منتخباتی از آثار صادره از قلم حضرت ولی امرالله، ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۱۴۶ ب، ۱۹۸۹ م)، صص ۵۹-۶۰. همچنین ن ک به:  
*Shoghi Effendi, The World Order of Bahá'u'lláh* (Wilmette: Bahá'í Publishing Committee, 1944), pp. 42-3.

۱۰- نظم جهانی بهائی، ص ۱۲؛ *World Order of Bahá'u'lláh*, p. 7.

۱۱- کتاب قرن بدیع، ص ۷۸۶؛ *God Passes By*, p. 396.

12- Shoghi Effendi, *Bahá'í Administration: Selected Messages 1922-1932* (Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1974), pp. 20-4.

۱۳- "هیأت تنفیذیه مشرق الاذکار" (Executive Board of Bahá'í Temple Unity) در سال ۱۹۰۹ تأسیس شده بود.

14- Ruhíyyih Rabbání, *The Priceless Pearl* (London: Bahá'í Publishing Trust, 1969), p. 56.

۱۵- حضرت ولی امرالله، تویعات مبارکه: ۱۹۲۲-۱۹۲۶ (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ ب)، ج ۱، صص ۴-۶.

۱۶- از جمله ن ک به تویع مورخ شباط ۱۹۲۲ خطاب به محفل روحانی بمبئی (ایضاً، ص ۱۰).

۱۷- اسم Australasia عموماً بر استرالیا، نیوزیلند، گینه جدید و جزائر مجاور واقع در اقیانوس آرام اطلاق می‌شود. اما البته در زمان صدور تویع مبارک در مارس ۱۹۲۳ تنها استرالیا و نیوزیلند فتح شده بودند. ضمناً در آثار

حضرت ولی امرالله به انگلیسی گاه اسم Australasia تنها بر استرالیا، تاسمانیا و نیوزیلند اشاره دارد و جزائر مجاور نظیر گینه جدید و فیجی جزو آسیا محسوب شده‌اند. (برای نمونه ن ک به Bahá'í Faith, 1844-1952, p. 66). در تویعات فارسی هیکل مبارک، عنوان "قاره استرالیا" گاه به تنهایی بر سرزمین اصلی کشور استرالیا اطلاق شده و گاه نیوزیلند (و تاسمانیا) را نیز شامل می‌شود. (برای نمونه ن ک به تویعات مبارکه، صص ۴۵۴، ۴۶۹، ۴۷۵، ۴۸۳-۴۸۴، ۴۹۰، ۴۹۲).

18- Bahá'í Administration, pp. 39-41.

۱۹- ن ک به: Shoghi Effendi, *God Passes By*, p. 333. (تاریخ رسمی تشکیل این محافل در دو جزوه حاوی آمار پیشرفت امرالله که در یادداشت شماره ۲ از آنها یاد شد نیز قید شده است). در برخی منابع ذکر شده که در زمان حضرت عبدالهاء دو محفل روحانی ملی در عالم موجود بوده است، یعنی محفل ملی امریکا و محفل ملی ایران: Rúhíyyih Khánum, *Twenty-Five Years of the Guardianship* (Wilmette: Bahá'í Publishing Committee, 1948), p. 8. متذکر می‌شود که حضرت ولی امرالله در مکاتبات انگلیسی خویش از محفل روحانی منتخب یاران در امریکا حتی قبل از اینکه محفل ملی در این کشور رسماً تأسیس شود با عنوان "National Spiritual Assembly" یاد فرموده‌اند. (برای نمونه ن ک به Bahá'í Administration, pp. 27, 30, 32, 33. همچنین ن ک به حضرت ولی امرالله، تویعات مبارکه، ج ۱، ص ۱۳۵). اما همان طور که در متن آمده، تاریخ تأسیس رسمی اولین محافل روحانی ملی عالم را باید سال ۱۹۲۳ محسوب داشت و محفل ملی امریکا نیز رسماً در سال ۱۹۲۵ تأسیس شده است.

۲۰- تویعات مبارکه، ج ۱، ص ۱۳۶.

۲۱- ایضاً. قبلاً هیکل مبارک در تویع مورخ ۱۵ شباط ۱۹۲۲ اشاره فرموده بودند که مهام امور و نیز اموری که محافل محلی در آن اختلاف نظر دارند باید به «محفل روحانی مرکزی اقلیم که در طهران است» مراجعه شود (ایضاً، صص ۵-۶). متعاقباً نیز در تویع مورخ تموز (ژوئیه) ۱۹۲۵ خطاب به یاران در صفحات شرق فرمودند که «اقدام و اهم نقطه امریه هر اقلیمی موقتاً محفل مرکزی آن اقلیم نامیده شد.» و سپس اسامی ۶ محفل را که هر یک در آن زمان به عنوان محفل مرکزی اقلیم خویش انجام وظیفه می‌نمود به این شرح نام می‌برند: محفل طهران (ایران)، محفل بادکوبه (قفقازیا)، محفل عشق آباد (ترکستان)، محفل بغداد (عراق)، محفل اسلامبول (ترکیه) و محفل حیفا (فلسطین و سوریه) (ایضاً، صص ۲۴۳-۲۴۴). در تویعات مبارک عنوان «محفل مرکزی» همچنین به معنی محفل ملی یا منطقه‌ای نیز به کار رفته است. برای نمونه ن ک به حضرت ولی امرالله، تویعات مبارکه، صص ۲۴۵، ۳۴۱-۳۴۲. عنوان انگلیسی "National Spiritual Assembly" هم در مورد «محفل مرکزی» در مفهوم خاص خود و هم در مورد محفل ملی و محفل منطقه‌ای استعمال شده است. برای نمونه در مجلد اول «عالم بهائی» که در سال ۱۹۲۶ تحت عنوان «سالنامه بهائی» منتشر شده، محافل روحانی مرکزی ترکستان، قفقاز، عراق و ایران در کنار محافل روحانی ملی امریکا و کانادا، آلمان، هندوستان و برمه و پاکستان، جزائر بریطانیا و مصر در یک فهرست ذیل عنوان "National Spiritual Assemblies" ذکر شده‌اند، اگرچه نحوه انتخاب آنها متفاوت بوده است:

Bahá'í Year Book (New York: Bahá'í Publishing Committee, 1926), p. 101.

۲۲- ن ک به: Shoghi Effendi, *Bahá'í Administration*, pp. 144-45. (تویع مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۲۷). همچنین ن ک به حضرت ولی امرالله، تویعات مبارکه: ۱۹۲۷-۱۹۳۹ (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ ب)، ج ۲، ص ۵۷ (تویع مورخ نوامبر ۱۹۲۷). یادآور می‌شود که در همین سال (یعنی ۱۳۱۶ هـ ش) قانون تقسیمات کشوری و قانون اصلاح این قانون به تصویب رسید (۱۶ آبان و ۱۰ دی) و مطابق آن کشور به جای ایالات و ولایات و بلوکات سابق، به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان و ۲۹۰ بخش تقسیم شد.

۲۳- ن ک به تویع مورخ تموز (ژوئیه) ۱۹۲۸، تویعات مبارکه، ج ۲، ص ۹۲.

۲۴- نظم جهانی بهائی، ص ۱۹ (تویع مبارک تحت عنوان «ملاحظات بیشتر در باره نظم جهان‌آرای الهی».

همچنین ن ک به توفیق مبارک "نظم جهان آرای الهی"، ایضاً، ص ۷). شاید بیان مبارک ناظر به فعالیت های احمد سهراب و تأثیرات آن در جامعه بهائی باشد. نامبرده قریب یک سال پیش از صدور این توفیق، یعنی در آوریل ۱۹۲۹ همراه با عده ای دیگر "انجمن تاریخ جدید" (New History Society) را در نیویورک تأسیس نموده و به مخالفت با محفل محلی نیویورک و محفل ملی امریکا و به طور کلی تشکیلات امرالله برخاسته بود. در این مورد ن ک به:

Peter Smith, *The Babi and Baha'i Religions: From Messianic Shi'ism to a World Religion* (Cambridge: Cambridge University Press, 1987), pp. 124-25.

۲۵- دو توفیق "نظم جهان آرای الهی" ("The World Order of Bahá'u'lláh") و "ملاحظات بیشتر در باره نظم جهان آرای الهی" ("The World Order of Bahá'u'lláh: Further Considerations") (مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹ و ۲۱ مارس ۱۹۳۰) در حقیقت منعکس کننده ایراداتی است که در آن زمان از سوی عده ای بر نظم اداری وارد می شد. این دو توفیق مبارک در مجموعه *World Order of Bahá'u'lláh* (صص ۳-۱۲ و ۱۵-۲۶) به طبع رسیده اند. ۲۶- در مورد این بحران ن ک به مقاله زیر:

Loni Bramson-Lerche, "Some Aspects of the Development of the Bahá'í Administrative Order in America, 1922-1936," Moojan Momen (ed.), *Studies in Bábí and Bahá'í History*, vol. 1 (Los Angeles: Kalimát Press, 1982), pp. 284-95.

27- Phillip R. Smith, "The Development and Influence of the Bahá'í Administrative Order in Great Britain, 1914-1950," Richard Hollinger (ed.), *Community Histories: Studies in the Bábí and Bahá'í Religions*, vol. 6 (Los Angeles: Kalimát Press, 1992), pp. 165-66.

۲۸- محفل ملی آلمان و اطریش، یکی از اولین محافل روحانی مرکزی در عالم بهائی، در سال ۱۹۳۷ به دستور مقامات آلمان نازی منحل شده بود.

۲۹- حضرت ولی امرالله سنه تسع یا سنه بعد حین (۱۲۶۹ ه ق) را که در آن بعثت سزى جمال اقدس ابهى واقع شده "سنه مقدسه" محسوب فرموده اند و صدمین سال بعثت سزى مبارک را نیز "سنه مقدسه" (یا "سنه مقدسه مبارکه") نامیده اند (از جمله ن ک به توفیقات مبارکه، صص ۴۱۷، ۴۲۸-۴۳۰، ۵۲۲-۵۲۳). اول محرم سال ۱۲۶۹ ه ق در غروب ۱۵ اکتبر ۱۸۵۲ م شروع شده و از این رو صدمین سالگرد دعوت سزى مبارک (سال مقدس) در غروب ۱۵ اکتبر ۱۹۵۲ (اول شهر العلم ۱۰۹ ب) آغاز شده است. حضرت ولی امرالله در تلگراف مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۵۲ (به انگلیسی) افتتاح سال مقدس را اعلان فرمودند. ن ک به: Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World, 1950-1957* (Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1971), p. 40.

30- Shoghi Effendi, *Bahá'í Faith, 1844-1952*, pp. 27-38.

۳۱- برای اسامی ۴۸ محفل روحانی ملی جدید که می بایست مطابق نقشه ده ساله تا رضوان ۱۹۶۳ تأسیس شوند ن ک به ایضاً، ص ۶۸. برای اسامی ۵۶ محفل روحانی ملی که در رضوان ۱۹۶۳ تأسیس شدند از جمله ن ک به: Hands of the Cause of God Residing in the Holy Land, *The Bahá'í Faith, 1844-1963: Information Statistical and Comparative* (Haifa: Hands of the Cause of God Residing in the Holy Land, 1963), pp. 23-4.

۳۲- "قانون اساسی" یا "دستور" جامعه بهائی (Bahá'í National Constitution) حاوی دو بخش است: بیان نامه هیأت امضاء (Declaration of Trust) و نظامنامه محفل روحانی ملی (By-Laws) (ن ک به Shoghi Effendi, *God Passes By*, p. 335). متن قانون اساسی جوامع بهائیان چند کشور از جمله ایالات متحده امریکا و ایران در مجلد دوازدهم کتاب "عالم بهائی" آمده است:

*The Bahá'í World*, vol. 12 (Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1956), pp. 393-430.

- ۳۳- ن ک به بیان حضرت ولی امرالله در توفیق نوروز ۱۱۱ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۵۵۲.
- ۳۴- عنوان "هیأت بین المللی بهائی" در توفیعات فارسی حضرت ولی امرالله آمده است (ن ک به توفیعات مبارکه، صص ۴۰۹، ۴۵۶). معادل آن در توفیعات انگلیسی هیکل مبارک عنوان International Bahá'í Council است که عموماً به "شورای بین المللی بهائی" ترجمه می شود (برای مثال ن ک به حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ترجمه فؤاد اشرف [لانگنهاین: لجنة ملی نشر آثار امری، ۱۵۴ ب، ۱۹۹۷ م]، ص ۱۹۲). عنوان اخیر اکنون برای یاران فارسی زبان آشنا تر از عنوان "هیأت بین المللی بهائی" است.
- ۳۵- حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ص ۴۵۶ (همچنین ن ک به ایضاً، ص ۴۰۹).
- ۳۶- حضرت ولی امرالله چند نفر را نیز پس از صعودشان به نام ایادی امرالله تسمیه فرموده اند.
- ۳۷- ن ک به حضرت ولی امرالله، توفیق رضوان ۱۰۵ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۳۳۸.
- 38- *The Bahá'í World*, vol. 18 (Haifa: Bahá'í World Centre, 1986), pp. 388-89.
- ۳۹- حضرت ولی امرالله در آثار و بیانات خویش تأکید فرموده اند که مؤسس مقام اعلی حضرت بهاءالله هستند و "بدایت تأسیس" را تعیین محل مقام حضرت اعلی محسوب فرموده اند. (ن ک به توفیعات مبارکه، صص ۳۶۵، ۳۶۹، ۳۸۲؛ اسفندیار قباد، خاطرات اسفندیار قباد [طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ ب]، صص ۱۰۷-۱۰۸).
- 40- David S. Ruhe, *Door of Hope: A Century of the Bahá'í Faith in the Holy Land*, rev. ed. (Oxford: George Ronald, 1986), p. 168; Cf. Rúhíyyih Rabbani, *The Guardian of the Bahá'í Faith* (London: Bahá'í Publishing Trust, 1988), p. 117.
- حضرت ولی امرالله محل و موقع این سه حجره را در ماه مه ۱۹۲۵، هنگام تشرّف جناب ذکرالله خادم، مشخص فرموده بودند. ن ک به ذکرالله خادم، به یاد محبوب (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ ب)، صص ۳۰۸-۳۰۹. برای عنوان "قدس الاقداس" ن ک به حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۰۸ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۳۶۸.
- ۴۱- توفیعات مبارکه، صص ۳۷۸-۳۷۹؛ همچنین ن ک به تلگراف مورخ ۲۳ مه ۱۹۴۴:
- Shoghi Effendi, *The Unfolding Destiny of the British Bahá'í Community* (London: Bahá'í Publishing Trust, 1981), p. 166.
- ۴۲- حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، صص ۳۷۹-۳۸۰، ۴۰۵، ۴۵۸.
- ۴۳- ایضاً، ص ۳۶۴. در مورد تاج های سه گانه مقام اعلی علاوه بر مأخذ مذکور در یادداشت بالا ن ک به توفیق مورخ ۳۰ اوت ۱۹۵۳: Shoghi Effendi, *Unfolding Destiny*, p. 321.
- ۴۴- حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ص ۵۲۳.
- ۴۵- ایضاً، ص ۳۷۸. همچنین ن ک به ایضاً، صص ۲۴۱-۲۴۲، ۵۶۴.
- ۴۶- ایضاً، ص ۲۴۲.
- ۴۷- ایضاً، ص ۳۷۸.
- ۴۸- حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ تموز ۱۹۲۵ می فرمایند: «همچنین محفظه آثاری در ارض اقدس اخیراً تشکیل گشته.» (توفیعات مبارکه، ج ۱، ص ۲۴۸). در خاطرات آقای اسفندیار قباد در ضمن شرح تشرّف اول ایشان به ارض اقدس در سال ۱۹۲۴ آمده است که زائرین در روز ۲۱ آوریل به مناسبت عید رضوان، به زیارت شمایل های مبارک حضرت بهاءالله و حضرت اعلی نائل شدند. در آن زمان این شمایل ها در قاب و جبهه های مخصوص خود در کنار برخی آثار مبارکه دیگر در بیت مبارک حضرت عبدالبهاء در اطاق کوچکی که مخصوص حضرت ورقه مبارکه علیا بود نگهداری می شد و محفظه آثار به این اطاق منحصر بود (قباد، خاطرات اسفندیار قباد، صص ۳۴-۳۵، ۸۳).
- 49- *The Bahá'í World*, vol. 4 (New York: Bahá'í Publishing Committee, 1933), pp. 98-9; *The Bahá'í World*, vol. 13 (Haifa: The Universal House of Justice, 1970), pp. 429-30; Rabbani,

*Priceless Pearl*, pp. 263-64; Shoghi Effendi, *God Passes By*, p. 347.

همچنین ن ک به جواد قوچانی، خاطرات فراموش‌نشده‌ی (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۱۵۴ ب، ۱۹۹۸ م)، صص ۷۱-۷۲، ۸۱-۸۲.

۵۰- توفیق نوروز ۱۱۱ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۵۶۰. هیکل مبارک در توفیق نوروز ۱۰۱ بدیع جریان سفینه احکام را در ارتباط با نزول کتاب اقدس ذکر می‌فرمایند (ایضاً، ص ۸۷).

51- Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, pp. 13, 149.

همچنین ن ک به حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ص ۴۰۸.

۵۲- حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۱ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۵۵۴. همچنین ن ک به:

Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, p. 63; Anita Ioas Chapman, *Leroy Ioas: Hand of the Cause of God* (Oxford: George Ronald, 1998), pp. 213, 216; Ruhe, *Door of Hope*, p. 186.

53- Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, p. 95 (See also *ibid*, pp. 78-9); Chapman, *Leroy Ioas*, pp. 213-16.

54- Rabbani, *Guardian of the Bahá'í Faith*, p. 121.

۵۵- حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ص ۳۷۶؛ ایضاً، توفیعات مبارکه، ج ۱، صص ۲۵۵-۲۵۷. شمار یهودیان فلسطین در سال ۱۸۸۰ به ۲۰,۰۰۰-۲۵,۰۰۰ نفر می‌رسید. در بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۵ بیش از ۲۵۰,۰۰۰ یهودی به این سرزمین مهاجرت کردند و در آستانه استقلال دولت اسرائیل شمار یهودیان به حدود ۶۵۰,۰۰۰ نفر رسیده بود.

۵۶- ن ک به: Chapman, *Leroy Ioas*, pp. 207-08; Ruhe, *Door of Hope*, pp. 118-19, 207-08.

توفیق نوروز ۱۱۰ بدیع در باره خاندان بیضون و خرید اراضی حول روضه مبارکه می‌فرمایند: «در این سنه مقدسه که صدمین سال بعثت آن موعود امم و محیی رمم است پس از خذلان ناقضین حسود و جحود و در نتیجه مغلوبیت و هزیمت دشمنان دیرین امر حضرت رب العالمین که مدت شصت سال با ناقضین پرکین عهد جمال مبین مرتبط و در طوفان مفتشین معین و مؤید و مهماندار اعدای امرالله و در سنین عدیده به توهین و تحقیر آن مقام مقدس مشغول و تعدی بر اراضی مجاوره آن مقام اطهر نموده، اراضی وسیعه وقف آن روضه مقدسه گشت.» (حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ص ۴۶۰).

۵۷- حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ص ۴۶۱؛ *Bahá'í World*, vol. 12, p. 146.

۵۸- توفیعات مبارکه، ص ۴۶۱.

۵۹- ن ک به ایضاً، ص ۴۶۰ و نیز تلگراف نوروز ۱۹۵۳ خطاب به یاران غرب: *Bahá'í World*, vol. 12, p. 35.

Chapman, *Leroy Ioas*, p. 209.

۶۰- از جمله ن ک به حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ص ۵۵۵؛ Ruhe, *Door of Hope*, pp. 93-4.

العدل اعظم الهی در مارس ۱۹۷۳ بشارت خرید قصر مزرعه را به مناسبت نوروز ۱۳۰ بدیع به جامعه بهائی اعلان فرمودند.

۶۱- حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۰۸ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۴۰۷. همچنین ن ک به: *Bahá'í World*,

vol. 12, p. 44.

62- Rabbání, *Priceless Pearl*, p. 233; cf. Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, p. 95.

63- Rabbání, *Priceless Pearl*, p. 228.

64- *Ibid*, pp. 231-32.

۶۵- میرزا مجدالدین در سال ۱۹۵۵ فوت کرد.

66- Chapman, *Leroy Ioas*, pp. 194-96; cf. *The Ministry of the Custodians, 1957-1963* (Haifa:



Bahá'í World Centre, 1992), p. 80.

67- Chapman, *Leroy Ioas*, p. 194.

68- Ibid, p. 197.

69- Rabbání, *Priceless Pearl*, p. 279.

70- Ibid, pp. 269, 285.

71- Shoghi Effendi, *God Passes By*, p. 356.

۷۲- از جمله نك به حضرت ولّی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۱ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۵۵۵.

۷۳- حضرت ولّی امرالله مراحل تحوّل امر الهی و خصوصیات هر مرحله را به اختصار در کتاب قرن بدیع، توفیق نوروز ۱۱۰ بدیع و نیز توفیق مورخ ۴ مه ۱۹۵۳ (به انگلیسی) بیان فرموده‌اند. نك به: *God Passes By*, p. 364. توفیعات مبارکه، صص ۵۰۱-۵۰۲؛ *Messages to the Bahá'í World*, p. 155.

۷۴- توفیق نوروز ۱۰۱ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۲۲۷. همچنین نك به توفیق مورخ شباط ۱۹۲۷، توفیعات مبارکه، ج ۲، ص ۱۷.

۷۵- توفیق مورخ ۹ نوامبر ۱۹۲۷، توفیعات مبارکه، ج ۲، صص ۴۵-۴۶. در این زمان مقرّر شده بود که ایرانیان نام و نام خانوادگی داشته باشند و بعداً تحولات دیگری در این عرصه صورت گرفت و از جمله در ۱۷ شهریور ۱۳۰۷ (۱۹۲۸ م) مجلس قانون سجدّ احوال را که تحت ۱۶ ماده تصویب شده بود برای اجرا به وزارت داخله ابلاغ نمود.

۷۶- حضرت ولّی امرالله، توفیعات مبارکه، ج ۳، صص ۱۵۸-۱۵۹ (توفیق مورخ ۷ فوریه ۱۹۳۶)؛ عبدالحمید اشراق خاوری، گنجینه حدود و احکام، نشر سوّم (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۸ ب)، صص ۱۴۲-۱۴۴.

77- Shoghi Effendi, *God Passes By*, p. 371.

۷۸- در این محاسبه آلاسکا و جزائر هاوایی نیز که از نظر امری مستقلّ اند جزو ایالات متّحده امریکا محسوب شده‌اند.

79- Shoghi Effendi, *God Passes By*, pp. 369, 410.

۸۰- حضرت ولّی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۱ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۵۵۵.

۸۱- ایضاً، صص ۵۵۵-۵۵۶.

82- Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, pp. 4, 107.

۸۳- حضرت ولّی امرالله، توفیعات مبارکه، صص ۴۸۷-۴۸۸ (همچنین نك به صص ۴۰۹-۴۱۰، ۴۵۶، ۵۲۱)؛ و Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, pp. 149, 152. عنوان "محکمه علیا" در توفیق نوروز ۱۱۰ بدیع آمده و در همین توفیق از "ممالک اسلامیّه" که می‌بایست در آنها محکمه‌های ملی بهائی ایجاد شود نام می‌برند و هندوستان را در این گروه محسوب می‌فرمایند (توفیعات مبارکه، صص ۴۵۶، ۴۸۸). در آثار انگلیسی مبارک به جای "ممالک اسلامیّه" عنوان "شرق اسلامی" (Islamic East) در این مورد آمده است. برای ملاحظه بیانات شفاهی مبارک در مورد "محکمه علیا" (یا "محکمه بین المللی بهائی") و ۶ محکمه ملی بهائی نك به قباد، خاطرات اسفندیار قباد، صص ۱۱۰-۱۱۱. هدف این بود که در آینده محافل ملی به عنوان محکمه‌های بهائی عمل کنند. (نك به ایضاً. همچنین نك به بیان مبارک در مورد محفل ملی مصر در *God Passes By*, p. 367).

84- *Ministry of the Custodians*, pp. 169, 364.

85- Glenford E. Mitchell, "Shoghi Effendi: Guide for a New Millennium," *The Bahá'í World 1996-97* (Haifa: Bahá'í World Centre, 1998), p. 168.

۸۶- شرح خلاصه‌ای از اقدامات یاران امریکا در پاسخ به فرمان تبلیغی حضرت عبدالبهاء صادره در الواح نقشه ملکوتی در مآخذ زیر آمده است:

Peter Smith, "The American Bahá'í Community, 1894-1917: A Preliminary Survey," Moojan Momen (ed.), *Studies in Bábí and Bahá'í History*, vol. 1 (Los Angeles: Kalimát Press, 1982), pp. 133-35.

87- Chapman, Leroy Ioas, p. 167.

۸۸- حضرت ولی امرالله، توفیق رضوان ۱۰۵ بدیع، توقیعات مبارکه، ص ۳۳۰.

۸۹- ایضاً، صص ۳۳۰-۳۳۱.

۹۰- انتصارات نقشه هفت ساله علاوه بر مأخذ فوق از جمله در توفیق نوروز ۱۰۱ بدیع و کتاب قرن بدیع نیز ذکر

شده است. ن ک به ایضاً، صص ۲۴۲-۲۴۵؛ Shoghi Effendi, *God Passes By*, pp. 399-400.

91- See *The Bahá'í World*, vol. 9 (Wilmette: Bahá'í Publishing Committee, 1945), p. 59;

Shoghi Effendi, *Messages of Shoghi Effendi to the Indian Subcontinent, 1923-1957* (New Delhi: Bahá'í Publishing Trust, 1995), pp. 170, 177, 249-50.

۹۲- حضرت ولی امرالله، توفیق رضوان ۱۰۵ بدیع، توقیعات مبارکه، صص ۳۴۲-۳۴۳. همچنین ن ک به:

Shoghi Effendi, *Citadel of Faith: Messages to America, 1947-1957* (Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1980), pp. 47-8.

۹۳- مطابق کتاب "عالم بهائی" (ج ۱۱، صص ۳۴-۳۵)، شمار محافل منحلّه که تشکیل مجدد آنها از اهداف نقشه

چهل و پنج ماهه ایران تعیین شده بود به ۶۲ می رسید. به علاوه، تشکیل و تأسیس ۲۲ جماعت و ۱۳ مرکز منفردّه جدید نیز از اهداف این نقشه بود. احتمال دارد در رقم مربوط به جماعات اشتباهی روی داده باشد، و رقم صحیح ۲۰ باشد. در این صورت جمع ارقام مربوط به محافل منحلّه (۶۲)، جماعات (۲۰) و مراکز منفردّه (۱۳) که می بایست در طول نقشه تأسیس شوند به ۹۵ بالغ می شود که مطابق رقم مذکور در توفیق مبارک رضوان ۱۰۵ بدیع است. (متن قسمت مربوطه از این توفیق در مقاله آمده است.) حضرت ولی امرالله ضمن پیام رضوان ۱۹۵۰ (به انگلیسی)، در اشاره به نقشه چهل و پنج ماهه یاران ایران بشارت دادند که ۳۱ محفل، ۱۷ جماعت و ۱۱ مرکز منفردّه مزید بر آنچه در نقشه منظور شده بود تشکیل شده است (Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, p. 4). مطابق "عالم بهائی" (ج ۱۱، صص ۳۴-۳۶) عدد محافل، جماعات و مراکز تشکیل شده در طول نقشه به ترتیب ۹۳، ۳۷ و ۲۴ بوده است.

94- *Bahá'í World*, vol. 12, p. 65.

۹۵- حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۱ بدیع، توقیعات مبارکه، ص ۵۸۰.

۹۶- ن ک به حضرت ولی امرالله، توقیعات مبارکه، ج ۱، صص ۴۳-۴۴؛ ج ۳، صص ۱۶۲-۱۶۳.

۹۷- توقیعات مبارکه، ص ۴۶۷.

۹۸- ایضاً، ص ۴۶۸. در توقیعات مبارک خطاب به اجنای غرب، حضرت ولی امرالله ظاهراً بار نخست در پیام

مورخ ۲۵ ژوئن ۱۹۵۳ از دو عبارت "entry by troops" و "mass conversion" در اشاره به تحولات آتی امر استفاده فرموده اند (Citadel of Faith, p. 117). بیان مبارک در این توفیق در مورد اقبال افواج مردم مبتنی بر پیشگونی حضرت عبدالبهاء است. البته حضرت ولی امرالله پیش از این تاریخ نیز در آثار خویش به اقبال گروه‌های مردم و ملت‌ها در آینده اشاره فرموده بودند.

۹۹- حضرت ولی امرالله، توقیعات مبارکه، ص ۳۴۳.

۱۰۰- ایضاً، ص ۴۲۷.

۱۰۱- ایضاً، ص ۴۷۷.

۱۰۲- ایضاً، ص ۴۷۱ (توفیق نوروز ۱۱۰ بدیع).

۱۰۳- ایضاً، صص ۴۵۳، ۴۵۵؛ Shoghi Effendi, *Bahá'í Faith, 1844-1952*, pp. 6-8, 11.

۱۰۴- دوازده محفل روحانی ملی موجود در رضوان ۱۹۵۳ (با احتساب محفل روحانی ملی ایتالیا و سویس که در رضوان همان سال تشکیل شد) نماینده ۳۶ کشور مختلف بودند. ن ک به:

Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, p. 151.

۱۰۵- حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۰ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۴۷۸. همچنین ن ک به:

Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, pp. 41-2.

۱۰۶- ن ک به: Shoghi Effendi, *Bahá'í Faith, 1844-1952*, pp. 50-2. حضرت ولی امرالله در توفیق نوروز

۱۱۰ بدیع (توفیعات مبارکه، صص ۴۷۸-۴۹۵) در ذیل مقاصد اصلی نقشه ده ساله، ۲۸ هدف را مشخص می‌فرمایند که هدف چهارم مذکور در این قسمت یعنی «استحکام اساس امرالله در یکصد و هیجده (۱۱۸) اقلیم از اقلیم عالم که در ظل امرالله وارد گشته» را قبلاً در ذیل مقاصد اصلی (مقصد اصلی سوم) ذکر فرموده بودند (ایضاً، صص ۴۸۲، ۴۷۸) و در ظل هدف چهارم جزئیات آن مشخص شده است.

۱۰۷- حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۳ بدیع، نسخه خطی (دستخط ایادی امرالله علی اکبر فروتن)، ص ۴۵.

۱۰۸- حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۰ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۴۹۴.

۱۰۹- حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه: ۱۰۶-۱۰۹ بدیع (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۵ ب)،

ص ۱۹۴. همچنین ن ک به حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۶۲. اصل بیان مبارک به انگلیسی در مجموعه *Citadel of Faith*، ص ۴۸ آمده است.

۱۱۰- ن ک به توفیق مورخ ۱۸ مه ۱۹۴۸ حضرت ولی امرالله خطاب به محفل ملی امریکا که قسمتی از آن در مقاله

زیر نقل شده است: «امیر فرهنگ ایمانی، جامعه بین المللی بهائی و روابط آن با سازمان ملل متحد، پیام بهائی، شماره ۱۹۱ (اکتبر ۱۹۹۵)، صص ۳۱-۳۲.

۱۱۱- انتشار معدودی از این نشریات در دوره ولایت متوقف شد و یا تحت عنوان دیگری ادامه یافت. از جمله

نجم باختر از نوامبر ۱۹۲۲ زیر عنوان *The Bahá'í Magazine: Star of the West* منتشر شد و سپس از ۱۹۳۵ با مجله دیگری یکی شده و نام آن به *World Order* تغییر یافت. مجله «حقیقت» (*Reality*) که از سال ۱۹۲۳ مدتی به امرالله و مؤسسات آن حمله نموده بود، در سال ۱۹۲۹ تعطیل شد.

۱۱۲- ن ک به حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ج ۲، ص ۹.

۱۱۳- حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۳ بدیع (خطی)، ص ۹.

۱۱۴- ایضاً، ص ۲۹.

۱۱۵- ایضاً، صص ۳۳-۳۴. همچنین ن ک به: Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, pp. 89-90.

۱۱۶- ن ک به حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، صص ۳۴۳-۳۴۴، ۴۲۷-۴۲۸.

۱۱۷- در آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء آمده که بشارت ۱۳۳۵ مذکور در کتاب دانیال نبی اشاره به ۱۳۳۵ سال

شمسی است و نیز مبدأ آن از هجرت حضرت محمد تعیین شده است. (برای نمونه‌ای از بیانات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله در مورد پیشگویی دانیال ن ک به عبدالحمید اشراق خاوری، مائده آسمانی [طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ ب]، ج ۲، ص ۷۸؛ ج ۳، صص ۳۴-۳۵؛ ج ۹، ص ۲۰؛ حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ج ۱، ص ۷۰). از این رو این عقیده در بین احبای ایران عموماً رواج یافته بود که بشارت مذکور به سال ۱۳۳۵ هـ ش (۱۹۵۶ م) اشاره دارد. از میان یاران غربی، دکتر اسلمنت مؤلف کتاب بهاء الله و عصر جدید در اثر خویش بشارت دانیال را با سال ۱۹۵۷ م مطابقت نموده بود. (ن ک به چاپ‌های نخستین این کتاب، و از جمله چاپ اول آن که در سال ۱۹۲۳ در انگلستان منتشر شد.) در عین حال حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارک (لوح خطاب به جناب فرج الله زکی الکردی) می‌فرمایند که در تاریخ مورد اشاره دانیال، یک قرن از طلوع شمس حقیقت گذشته است، و حضرت ولی امرالله مبدأ این قرن را اظهار امر جمال ابهی در باغ رضوان (بغداد) در سال ۱۲۷۹ هـ ق تعیین می‌فرمایند (اشراق خاوری،

مانده آسمانی، ج ۳، صص ۳۴-۳۵). در توقیع دیگری (به انگلیسی) که از طرف هیکل مبارک در تاریخ ۴ مه ۱۹۴۶ تحریر شده آمده که انتهای ۱۳۳۵ در سال ۱۹۶۳ میلادی و خاتمه نقشه ده ساله است. (ن ک به: Helen Hornby, *Lights of Guidance*, 1st ed. [New Delhi: Bahá'í Publishing Trust, 1983], p. 324; ibid, 2nd ed. p.432 [1988]). همچنین حضرت ولی امرالله در توقیع مورخ ۱۶ اکتبر ۱۹۵۱ (به انگلیسی) در اشاره به " جشن اعظم" (the Most Great Jubilee) که صدمین سال اظهار امر علنی جمال قدم در باغ رضوان است می فرماید که این جشن را دنیال نیی بیش از دو هزار سال قبل در کتاب خود پیشگویی نموده بود (*Unfolding Destiny*, p. 272). شایان تذکر است که در نشرهای جدید کتاب بهاءالله و عصر جدید تاریخ مربوط به پیشگویی دنیال تصحیح شده و به ۱۹۶۳ تغییر یافته است. (برای مثال ن ک به ترجمه جدید این اثر به فارسی: ج. ای. اسلمنت، بهاءالله و عصر جدید، ترجمه ع. بشیر الهی، ه. رحیمی، ف. سلیمانی [ریودوژانیرو: دار النشر البهائیه، ۱۴۵ ب، ۱۹۸۸ م]، ص ۲۷۸). مطلب حائز اهمیت اینکه مدتها این تصور رواج داشت که بشارت دنیال مربوط به تحقق صلح عمومی است. ن ک به توضیحات دکتر اسلمنت ذیل مبحث "نبوت حضرت بهاءالله و حضرت عبدالهه" در چاپهای نخست اثر وی و از جمله چاپ زیر: J. E. Esslemont, *Bahá'u'lláh and the New Era* (New York: Brentano's Publishers, 1923), p. 212. (ظاهراً در دهه های نخست این قرن این اندیشه که صلح عمومی و صلح اعظم در آینده ای نزدیک تحقق می یابد پدیده ای نادر نبوده. برای نمونه ای مشابه ن ک به مقاله مندرج در "عالم بهائی"، ج ۴، ص ۴۴. مؤلف این مقاله از یکی از بیانات حضرت ولی امرالله چنین برداشت نموده که هیکل مبارک تحقق صلح عمومی و صلح اعظم را به طور قطع در سال ۱۹۶۳ پیشگویی فرموده اند.) به سبب رواج این نوع افکار در بین یاران، حضرت ولی امرالله در بیانات و مکاتبات خود تأکید می فرمودند که پیشگویی دنیال به حوادث و تحولات داخل امرالله ناظر است و به حوادثی که در خارج امر در عالم روی می دهد ارتباطی ندارد. در خاطرات آقای اسفندیار قباد که در آذر ۱۳۳۱ ه ش (۱۹۵۲ م) در ارض اقدس مشرف بوده آمده: «... راجع به سنه ۱۳۳۵ سؤال شد. فرمودند مشروحاً به زائرین جواب داده شده و حضرت عبدالهه در لوحی که در مکاتیب است بیان فرموده اند. احباً باید مطالعه کنند. این سال شمسی است نه قمری، یعنی انقضای صد سال قمری از ظهور جمال مبارک در بغداد یعنی ۱۳۳۵ سال شمسی از هجرت حضرت رسول. این راجع به تأسیس صلح اعظم نیست بلکه راجع به تحکیم امر مبارک، یعنی امر مبارک جهانگیر می شود. اشتباه نکنید، تأسیس صلح اعظم نیست بلکه راجع به تحکیم امر است در تمام جهان، شرق و غرب، شمال و جنوب، اینست که احباً مشغول اقدام هستند.» (قباد، خاطرات اسفندیار قباد، صص ۱۱۷-۱۱۸. همچنین ن ک به جواد قوچانی، خاطرات فراموش نشدنی، ص ۶۹؛ و نیز توقیع مورخ ۴ مه ۱۹۴۶ که در بالا به آن اشاره شد.) "صد سال قمری" که در خاطرات آقای قباد به آن اشاره شده در کتاب قرن بدیع (ص ۳۱۰) نیز مذکور است (*God Passes By*, p. 151).

۱۱۸- آمار مندرج در این جدول از منابع زیر استخراج شده است:

۱۹۴۴: حضرت ولی امرالله، توقیع نوروز ۱۰۱ بدیع، توقیعات مبارکه، صص ۲۲۴-۲۲۵؛ "عالم بهائی"، ج ۹، صص ۱۰۴، ۶۷۸-۶۵۲. (حضرت ولی امرالله به مناسبت گذشت صد سال از ظهور بدیع جزوه ای حاوی آمار و ارقام پیشرفت امرالله تا سال ۱۹۴۴ منتشر فرمودند که متأسفانه دسترس به آن حاصل نشد.)

خاتمه ۱۹۵۲: جزوه *Shoghi Effendi, Bahá'í Faith, 1844-1952*. این جزوه نخست در اوائل سال مقدس ۱۵ اکتبر ۱۹۵۲ - ۱۵ اکتبر ۱۹۵۳ در لندن به طبع رسیده و سپس در سال بعد در امریکا تجدید طبع شده است. آمار مربوط به وسعت اراضی حول روضه مبارکه نشان می دهد که این جزوه بعد از نیمه نوامبر ۱۹۵۲ منتشر شده است.

اکتبر ۱۹۵۷: توقیع مورخ اکتبر ۱۹۵۷ به زبان انگلیسی (آخرین توقیع هیکل مبارک خطاب به عالم بهائی). ن ک به: *Shoghi Effendi, Messages to the Bahá'í World*, pp. 126-27.

رضوان ۱۹۶۳: جزوه *Hands of the Cause of God, Bahá'í Faith, 1844-1963* و نمودار "رشد جامعه بهائی، ۱۹۵۳-۱۹۸۳" ("The Growth of the Bahá'í Faith, 1953-1983")، "عالم بهائی"، ج ۱۸، ص ۸۲.